

Document Type

Review Article

مروری

نوع مقاله

Gaps in International Laws Related to the Protection of Water Resources

خلأهای موجود در قوانین بین‌المللی مرتبط با حفاظت از منابع آبی

M. J. Heydarian dolatabadi^{1*}, E. Aliakbari Baboukani²

محمد جواد حیدریان دولت‌آبادی^۱، احسان علی‌اکبری بابوکانی^۲

1- Ph.D. Candidate in Public International Law, Faculty of Law and Political Science, Kharazmi University, Tehran, Iran.

۱- دانشجوی دکتری حقوق بین‌الملل عمومی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران.

2- Associate Professor, Faculty of Theology, University of Isfahan, Isfahan, Iran.

۲- دانشیار، دانشکده الهیات، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران.

* Corresponding, Author Email: mj.heydarian@khu.ac.ir

* رایانامه نویسنده مسئول: mj.heydarian@khu.ac.ir

Received 05-12-2025

تاریخ دریافت ۱۴۰۴/۰۹/۱۴

Revised 19-02-2026

تاریخ بازنگری ۱۴۰۴/۱۱/۳۰

Accepted 21-02-2026

تاریخ پذیرش ۱۴۰۴/۱۲/۰۲

Available online 15-06-2026

تاریخ انتشار ۱۴۰۵/۰۳/۲۵

Abstract

چکیده

Industrial pollution, excessive exploitation, and unsustainable management of water resources have not only degraded aquatic ecosystems and reduced biodiversity but have also generated significant consequences for public health, social security, and economic development. This article addresses the central question of whether the existing frameworks of international law possess the necessary capacity to effectively prevent and respond to destructive acts against water resources. The research hypothesizes that the current international legal system, despite the existence of various treaties and dispersed legal instruments, lacks sufficient capacity to criminalize and ensure effective accountability for such acts. Employing an analytical-documentary methodology, the study draws upon statistical data, reports issued by international organizations, and case studies from critical regions around the world. The analysis of international legal instruments further reveals significant structural gaps and deficiencies in the identification, prevention, and punishment of destructive acts targeting water resources. The article concludes that the existing legal frameworks are inadequate to address the complex and transnational dimensions of this phenomenon. It argues that the explicit and autonomous criminalization of destructive acts against water resources at the international level constitutes a necessary prerequisite for the effective protection of these resources and for safeguarding fundamental human rights.

Keywords: Environmental Crime, Water Resources Pollution, Climate Change, Environmental Sustainability.

آلودگی‌های صنعتی، بهره‌برداری بی‌رویه و مدیریت ناپایدار منابع آبی، علاوه بر تخریب اکوسیستم‌های آبی و کاهش تنوع زیستی، پیامدهای قابل توجهی در حوزه‌های سلامت عمومی، امنیت اجتماعی و توسعه اقتصادی به همراه داشته است. این مقاله به بررسی این پرسش اصلی می‌پردازد که آیا چارچوب‌های حقوق بین‌الملل موجود، توانایی لازم برای پیشگیری و مقابله مؤثر با اقدامات مخرب علیه منابع آبی را دارند یا خیر. فرضیه پژوهش بر این مبنا استوار است که نظام حقوقی بین‌المللی کنونی، با وجود اسناد و مقررات پراکنده، ظرفیت کافی برای جرم‌انگاری و پاسخ‌گویی مؤثر به این اقدامات ندارد. پژوهش حاضر با استفاده از روش تحلیلی-اسنادی، با اتکا به داده‌های آماری، گزارش‌های سازمان‌های بین‌المللی و مطالعاتی در مناطق بحرانی جهان انجام شده است. تحلیل اسناد حقوقی بین‌المللی نیز بیانگر وجود خلأها و ضعف‌های ساختاری در زمینه شناسایی، پیشگیری و مجازات این اقدامات است. نتیجه‌گیری مقاله حاکی از آن است که چارچوب‌های حقوقی فعلی پاسخ‌گوی ابعاد پیچیده و فراملی این پدیده نیستند و جرم‌انگاری صریح و مستقل اقدامات مخرب علیه منابع آبی در سطح بین‌المللی، شرطی ضروری برای حفاظت مؤثر از این منابع و تضمین حقوق بنیادین انسان‌ها محسوب می‌شود.

واژه‌های کلیدی: جنایت علیه محیط‌زیست، آلودگی منابع آبی، تغییرات اقلیمی، پایداری محیط‌زیستی

How to cite this article:

Heydarian dolatabadi, M. J., & Aliakbari Baboukani, E. (2026). Gaps in International Laws Related to the Protection of Water Resources. Journal of Water and Sustainable Development, 13(1), 119-144. <https://doi.org/10.22067/jwsd.v13i1.2512-1477>

موجود بیشتر موارد آنها را به عنوان «جرم» شناسایی نمی‌کنند (Franz, ۲۰۱۱).

در سال‌های اخیر، تلاش‌هایی برای گنجانیدن اقدامات مخرب علیه محیط‌زیست، از جمله منابع آبی، در قالب مفهوم گسترده‌تر «اکوساید» صورت گرفته است و حتی پیشنهاد اصلاح اساسنامه دادگاه کیفری بین‌المللی در این زمینه مطرح شده؛ با این حال، موانع سیاسی و حقوقی موجب شده است که احتمال تصویب چنین اصلاحیه‌ای در حال حاضر محدود باشد. از این رو، خلأ تعریف و جرم‌انگاری مستقل جنایت علیه آب همچنان پابرجا است (IMPEL, ۲۰۲۰).

بر این اساس، پرسش اصلی این مقاله آن است که آیا حقوق بین‌الملل کنونی از ظرفیت لازم برای شناسایی و مقابله مؤثر با جنایت علیه منابع آبی برخوردار است یا خیر. فرضیه پژوهش بر این مبنا استوار است که چارچوب‌های حقوقی موجود، به دلیل فقدان تعریف دقیق و سازوکارهای کیفری مناسب، توان پاسخ‌گویی به ابعاد پیچیده و فرامرزی این پدیده را ندارند. هدف مقاله تبیین مفهومی جنایت علیه آب، شناسایی خلأهای حقوقی موجود و ارائه پیشنهادهایی برای تقویت نظام حقوق بین‌الملل در این زمینه است.

برای دستیابی به این هدف، مقاله ابتدا به ارائه تعریف نظری از مفهوم جنایت علیه آب می‌پردازد، سپس اسناد و مقررات بین‌المللی مرتبط را به صورت تحلیلی بررسی می‌کند و در نهایت، پیشنهادهای اصلاحی حقوقی برای جرم‌انگاری و پیشگیری مؤثر از این اقدامات ارائه می‌دهد.

در ادبیات موجود، تعاریف ارائه شده از «جنایت علیه آب» عمدتاً ماهیتی توصیفی دارند و اغلب بدون ارزیابی درجه اعتبار یا جایگاه حقوقی منابع، نقل می‌شوند. برای نمونه، برخی نویسندگان هرگونه اقدام عمدی منجر به تخریب یا سوءاستفاده از منابع آب شیرین با پیامدهای گسترده، شدید یا بلندمدت برای انسان یا اکوسیستم‌ها را «جنایت بین‌المللی علیه آب» تلقی کرده‌اند. در مقابل، دیدگاه‌های موسع‌تری وجود دارد که هر نوع آلودگی منابع آبی، از تخلیه فاضلاب و پسماندهای صنعتی تا ورود مواد سمی و فلزات سنگین به آب‌های سطحی و زیرزمینی را ذیل این مفهوم قرار می‌دهند. هرچند این تعاریف از نظر محیط‌زیستی هشداردهنده‌اند، اما غالباً فاقد تحلیل کیفری دقیق بوده و مرز میان تخلف، جنحه و جنایت را روشن نمی‌کنند.

یکی از چالش‌های اساسی در این زمینه، خلط میان سطوح حقوق داخلی و حقوق بین‌الملل است. طبقه‌بندی اعمال مخرب علیه منابع آب به عنوان «جنحه»^۱ یا «جنایت»^۲ معمولاً مفهومی وابسته به نظام‌های حقوق کیفری داخلی است و معیارهایی مانند شدت خسارت، عمدی بودن رفتار و تکرار عمل را در نظر می‌گیرد. در حالی که در حقوق بین‌الملل کیفری، عنوان «جنایت بین‌المللی» مستلزم تحقق عناصر خاصی است که فراتر از تقسیم‌بندی‌های سنتی حقوق داخلی قرار می‌گیرد. از این رو، اطلاق مفاهیم جنحه یا جنایت بدون تبیین چارچوب

آب به عنوان منبعی حیاتی و غیرقابل جایگزین، نقشی راهبردی در سلامت عمومی، توسعه اقتصادی و ثبات اجتماعی ایفا می‌کند. کمبود یا آلودگی منابع آبی می‌تواند پیامدهایی فراتر از حوزه محیط‌زیست داشته باشد و به بروز درگیری‌های منطقه‌ای، مهاجرت‌های جمعی و تهدید امنیت انسانی منجر شود. تجربه برخی کشورها از جمله هند و پاکستان نشان می‌دهد محدودیت دسترسی به آب سالم، مستقیماً سلامت عمومی و نظم اجتماعی را تحت تأثیر قرار داده است. وجود بیش از ۱۰۵ حوزه رودخانه‌ای بین‌المللی نیز بر ماهیت فرامرزی و اختلاف برانگیز منابع آب افزوده و مسئله آب را به موضوعی امنیتی در سطح بین‌المللی تبدیل کرده است (مرادی، ۱۴۰۳).

با وجود این اهمیت، رویکرد حقوق بین‌الملل نسبت به آب بیشتر بر اصولی همچون «استفاده منصفانه و معقول»، «استفاده پایدار» و «عدالت در توزیع منابع آبی» متمرکز بوده و کمتر به شناسایی و جرم‌انگاری اقدامات مخرب علیه منابع آب به عنوان یک عنوان مجرمانه مستقل پرداخته است. این خلأ حقوقی در شرایطی برجسته‌تر می‌شود که آسیب‌های وارد شده به منابع آب، آثار گسترده، شدید یا بلندمدت بر انسان‌ها و اکوسیستم‌ها برجای می‌گذارد، اما در چارچوب مفاهیم سنتی حقوق کیفری بین‌المللی به روشنی قابل پیگرد نیست (مبشری و همکاران، ۱۴۰۲).

در ادبیات علمی، تعاریف متعددی از «جنایت علیه آب» ارائه شده است. برخی این مفهوم را به اقدامات عمدی منجر به تخریب یا سوءاستفاده از منابع آب شیرین با پیامدهای گسترده انسانی یا محیط‌زیستی محدود می‌کنند، در حالی که دیدگاه‌های جدید هرگونه آلودگی منابع آبی، از تخلیه فاضلاب و پسماندهای صنعتی تا ورود مواد سمی و فلزات سنگین، را در بر می‌گیرند. با این حال، نبود تعریف دقیق و مشترک در حقوق بین‌الملل و اتکای نظام‌های حقوقی به طبقه‌بندی‌های قدیمی مانند فساد، خرابکاری یا آلودگی، موجب شده است که عنصر محیط‌زیستی این جرایم نادیده گرفته شود و تحلیل نظام‌مند آنها با دشواری مواجه شود (D'Amato, ۲۰۲۵).

این ابهام مفهومی به ویژه در حقوق اروپا نیز مشهود است؛ به گونه‌ای که «جرایم آبی» در بیشتر موارد ذیل سایر عناوین کیفری ثبت می‌شوند و فاقد تعریف مستقل و منسجم هستند. افزون بر این، تفاوت سطح توسعه‌یافتگی کشورها و تحول مفاهیمی چون «جرم سبز» یا «جرم محیط‌زیستی» سبب شده است که تعریف جرم آبی به چالشی پیچیده بدل شود. منابع آب ممکن است به عنوان قربانی جرم، هدف مستقیم آن، یا وسیله ارتکاب جرم مورد استفاده قرار گیرند و به دلیل ماهیت فرامرزی آب‌های شیرین، بسیاری از این اقدامات ابعادی بین‌المللی می‌یابند؛ در حالی که معاهدات

کیفری بین‌المللی، به ابهام مفهومی و کاهش دقت تحلیلی می‌انجامد.

برای پرهیز از این ابهام، تعریف «جنایت علیه آب» در سطح بین‌المللی باید مبتنی بر عناصر جرم بین‌المللی صورت گیرد. نخست، **عنصر مادی** مستلزم ارتکاب رفتارهایی است که منجر به تخریب گسترده، شدید یا بلندمدت منابع آب شیرین شود، به گونه‌ای که کارکردهای اساسی محیط‌زیستی یا انسانی آنها به طور جدی مختل شود. دوم، **عنصر معنوی** شامل ارتکاب عمدی این اعمال یا دست‌کم علم مرتکب به احتمال بروز خسارت گسترده و جدی است. سوم، **آستانه ضرر** باید از سطح خسارات محدود یا محلی فراتر رود و آثار قابل توجهی در مقیاس جمعیتی، جغرافیایی یا زمانی ایجاد کند. چهارم، **عنصر زمینه‌ای** ناظر بر امکان ارتکاب این اعمال هم در زمان صلح و هم در زمان مخاصمه مسلحانه است، امری که آن را از بسیاری از جرایم سنتی جنگی متمایز می‌سازد. براین اساس، می‌توان «جنایت علیه آب» را در حقوق بین‌الملل چنین تعریف کرد: هرگونه رفتار عمدی یا آگاهانه که با نقض تعهدات بین‌المللی، موجب تخریب گسترده، شدید یا بلندمدت منابع آب شیرین شده و آثار جدی و فرامرزی بر انسان‌ها یا اکوسیستم‌ها برجای گذارد، به نحوی که از آستانه خسارات قابل تحمل محیط‌زیستی فراتر رود. این تعریف، ضمن تفکیک روشن میان حقوق داخلی و بین‌المللی، امکان تحلیل کیفری دقیق‌تر و شناسایی خلأهای موجود در نظام حقوقی بین‌الملل را فراهم می‌سازد.

بررسی اسناد اولیه حقوق اتحادیه اروپا نشان می‌دهد با وجود توجه گسترده به حفاظت کیفی و کمی منابع آب، تعریف مستقل و مشترکی از «جرم آبی»^۳ در نظام حقوقی اروپا وجود ندارد. برای نمونه، «دستورالعمل چارچوب آب اتحادیه اروپا»^۴ که اصلی‌ترین سند سیاست‌گذاری آب در سطح اتحادیه محسوب می‌شود، تمرکز خود را بر مدیریت یکپارچه منابع آب، دستیابی به وضعیت بوم‌شناختی مطلوب و پیشگیری از آلودگی قرار داده است، بدون آن‌که به جرم‌انگاری کیفری مستقل اقدامات مخرب علیه منابع آب بپردازد. این دستورالعمل عمدتاً بر ابزارهای اداری، تنظیمی و نظارتی تکیه دارد و مسئولیت تعیین ضمانت اجرای کیفری را به نظام‌های حقوق داخلی کشورهای عضو واگذار می‌کند. همچنین سایر اسناد مرتبط اتحادیه اروپا در حوزه محیط‌زیست، از جمله مقررات مربوط به آلودگی صنعتی یا حفاظت از منابع طبیعی، اقدامات مخرب علیه آب را ذیل عناوین کلی‌تر «جرایم محیط‌زیستی» یا تخلفات اداری دسته‌بندی می‌کنند و از به‌کارگیری مفهوم واحد و منسجم «water crime» اجتناب کرده‌اند. نتیجه این رویکرد آن است که در عمل، جرایم مرتبط با آب در آمارها و رویه‌های قضایی کشورهای عضو، اغلب تحت عناوینی مانند فساد، جعل اسناد، تخلفات صنعتی یا نقض مقررات محیط‌زیستی ثبت می‌شوند. این پراکندگی مفهومی و حقوقی، تحلیل سیستماتیک ابعاد واقعی جرایم علیه منابع آب را با دشواری

مواجه ساخته و مانع از شکل‌گیری سیاست کیفری هماهنگ در سطح اتحادیه اروپا شده است. از این رو، گزاره فقدان تعریف مشترک و دقیق برای جرم آبی در حقوق اروپا نه یک ادعای کلی، بلکه حاصل تحلیل اسناد اولیه حقوقی اتحادیه و شیوه توزیع صلاحیت میان نهادهای اروپایی و نظام‌های حقوق داخلی کشورهای عضو است.

با وجود گسترش ادبیات علمی پیرامون «اکوساید» و تلاش برای ارتقای حمایت کیفری از محیط‌زیست در سطح بین‌المللی، باید تأکید کرد که اساسنامه رم دادگاه کیفری بین‌المللی در وضعیت فعلی، جرم مستقلاً تحت عنوان اکوساید را شناسایی نکرده است. صلاحیت موضوعی دادگاه کیفری بین‌المللی مطابق ماده ۵ اساسنامه رم، محدود به چهار جرم اصلی شامل نسل‌کشی، جنایت علیه بشریت، جنایات جنگی و جنایت تجاوز است و هرگونه افزودن جرم جدید، مستلزم اصلاح رسمی اساسنامه و تصویب آن با رأی دوسوم دولت‌های عضو می‌باشد. پیشنهاد شناسایی اکوساید به عنوان جرم بین‌المللی، عمدتاً در قالب پیش‌نویس غیرالزام‌آوری است که در سال ۲۰۲۱ توسط گروهی از کارشناسان مستقل با حمایت «Stop Ecocide Foundation» ارائه شد. این پیش‌نویس، اگرچه از نظر مفهومی الهام‌گرفته از ساختار جرایم بین‌المللی موجود است، اما فاقد هرگونه اثر حقوقی الزام‌آور بوده و تاکنون به متن رسمی اصلاحیه اساسنامه رم تبدیل نشده است. از این رو، هرگونه تحلیل درباره اکوساید باید در چارچوب «پیشنهاد دکترینال» و نه حقوق مثبت بین‌الملل انجام گیرد. افزون بر این، دادگاه کیفری بین‌المللی در وضعیت کنونی، صلاحیتی عام برای رسیدگی به جرایم محیط‌زیستی در زمان صلح ندارد. تخریب محیط‌زیست تنها در صورتی در صلاحیت ICC قرار می‌گیرد که ذیل عناوین موجود، به‌ویژه به عنوان جنایت جنگی و آن هم در بستر مخاصمه مسلحانه، قابل انطباق باشد. بنابراین، اعمال مخرب علیه منابع آب در زمان صلح، حتی در صورت ایجاد خسارات گسترده و بلندمدت، عموماً خارج از صلاحیت فعلی دادگاه قرار می‌گیرند. بالاین حال، اهمیت اکوساید در این مقاله نه به عنوان جرم شناسایی‌شده در حقوق بین‌الملل مثبت، بلکه به عنوان یک چارچوب تحلیلی و مفهومی مورد توجه قرار می‌گیرد. این مفهوم نشان می‌دهد که چگونه تخریب گسترده محیط‌زیست، از جمله منابع آب شیرین، می‌تواند از سطح تخلف اداری یا نقض مقررات محیط‌زیستی فراتر رفته و به تهدیدی علیه ارزش‌های بنیادین جامعه بین‌المللی تبدیل شود. از این منظر، جنایت علیه آب را می‌توان مفهومی هم‌خانواده با اکوساید دانست، بی‌آنکه ادعا شود در وضعیت فعلی، قابلیت پیگرد مستقیم در چارچوب ICC را دارد. در نتیجه، نبود شناسایی صریح جنایت علیه آب یا اکوساید در نظام حقوق کیفری بین‌الملل، نشان‌دهنده خلأی ساختاری است که با توجه به ماهیت فرامرزی منابع آب و محدودیت صلاحیت‌های قضایی ملی، همچنان پابرجا مانده است. در شرایط کنونی، پیگرد این اعمال عمدتاً از طریق حقوق داخلی، معاهدات منطقه‌ای یا

و بررسی امکان توسعه تدریجی حقوق بین‌الملل کیفری در حوزه حفاظت از منابع آب را برجسته می‌سازد. جدول زیر انواع جرائم آبی را دسته بندی شده تبیین می‌نماید.

توافق‌نامه‌های خاص مربوط به آب‌های فرامرزی امکان‌پذیر است و نه از طریق نظام کیفری بین‌المللی متمرکز. این وضعیت، ضرورت بازاندیشی در چارچوب‌های حقوقی موجود

جدول ۱- اشکال جنایت علیه آب^۹

نوع جرم	شرح
آلودگی آب	ریختن زباله، سموم، مواد شیمیایی یا رادیواکتیو به منابع آب
بهره‌برداری نابرابر یا انحصاری	مسدودسازی جریان آب به مناطق پایین‌دست، یا کنترل مخازن برای منافع خاص
تخریب زیرساخت‌های آبی	بمباران سدها، شبکه آب‌رسانی، یا مخازن در جنگ‌ها
استخراج بیش‌ازحد آب زیرزمینی	برداشت کنترل‌نشده از سفره‌های آب زیرزمینی بدون توجه به باززایی
محروم‌سازی اقلیت‌ها یا گروه‌های خاص از دسترسی به آب	مصادق جرم علیه بشریت
سیاست‌های دولتی مخرب	نمونه موردی: سیاست‌های جنگل‌زدایی در آمازون توسط بولسونارو که باعث از بین رفتن منابع آب شد. ^۹

کنترل انحصاری منابع آب مشترک، نقض تعهدات بین‌الدولی است و هنوز به‌عنوان جرم بین‌المللی شناسایی نشده؛ اما در صورت آثار انسانی شدید و نظام‌مند، می‌تواند مبنای تحلیل‌های کیفری نوین قرار گیرد.

۳. **تخریب زیرساخت‌های آبی در زمان مخاصمه مسلحانه:** تخریب عمدی سدها، شبکه‌های آب‌رسانی یا مخازن آب در جریان جنگ، به‌طور مستقیم با ماده ۵۶ پروتکل الحاقی اول کنوانسیون‌های ژنو در تعارض است که از «تأسیسات و نیروهای حاوی نیروهای خطرناک» حمایت ویژه به‌عمل می‌آورد. در صورت تحقق شرایط لازم، چنین رفتاری می‌تواند به‌عنوان جنایت جنگی در صلاحیت حقوق بین‌الملل کیفری قرار گیرد، به‌ویژه زمانی که منجر به تلفات گسترده غیرنظامیان شود. چارچوب حقوقی صریح و غیرقابل مناقشه: Protocol Additional I to the (1977) Article 56 (ICRC ۱۹۷۷) (حمایت ویژه از سدها، دیوارهای حائل و نیروگاه‌های هسته‌ای به‌عنوان «تأسیسات حاوی نیروهای خطرناک») تحلیل ارجاعی: بمباران یا تخریب عمدی سدها و شبکه‌های آب‌رسانی، در صورت تهدید مستقیم غیرنظامیان، نقض ماده ۵۶ پروتکل اول ژنو و بالقوه مصادق جنایت جنگی است.

۴. **استخراج بیش‌ازحد و کنترل‌نشده آب‌های زیرزمینی:** برداشت افراطی از سفره‌های آب زیرزمینی، اگرچه غالباً در قالب تخلف یا جرم داخلی تنظیم می‌شود، اما در مواردی که منجر به نابودی بلندمدت منابع حیاتی و تهدید جدی امنیت انسانی گردد، می‌تواند در چارچوب مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها و در تحلیل‌های نوین، ذیل مفاهیم جرایم محیط‌زیستی شدید مورد توجه قرار گیرد. چالش اصلی در این حوزه، اثبات آستانه ضرر و عنصر معنوی در سطح بین‌المللی است. چارچوب حقوقی قابل استناد (غیرکیفری اما الزام‌آور): (UN General Assembly Resolution, ۲۰۱۰) به‌رسمیت شناختن حق دسترسی به آب سالم International Covenant on Economic, Social and Cultural Rights (ICESCR) Article 11 (حق بر سطح

۱. **آلودگی عمدی یا گسترده منابع آب:** آلودگی عامدانه یا آگاهانه منابع آب، در صورتی که منجر به خسارات شدید، گسترده یا بلندمدت به انسان‌ها یا اکوسیستم‌ها شود، می‌تواند در چارچوب «جرایم محیط‌زیستی شدید» تحلیل شود. هرچند در وضعیت فعلی حقوق بین‌الملل کیفری، چنین رفتاری در زمان صلح جرم مستقل بین‌المللی محسوب نمی‌شود، اما از منظر دکترینال واجد عناصر مادی و معنوی مشابه اکوساید است. در صورت وقوع در مخاصمه مسلحانه، این رفتار می‌تواند نمونه‌ای از جنایات جنگی مرتبط با تخریب محیط‌زیست قرار گیرد. چارچوب حقوقی قابل استناد: ماده ۸(ب)(۲)(۴) اساسنامه رم (United Nations, ۱۹۹۸) (جنایت جنگی: وارد آوردن خسارت گسترده، بلندمدت و شدید به محیط‌زیست طبیعی، مشروط به تناسب و بستر مخاصمه مسلحانه بین‌المللی) تحلیل ارجاعی: در زمان جنگ، آلودگی عمدی منابع آب که موجب خسارت گسترده، شدید و بلندمدت شود، می‌تواند در چارچوب ماده ۸(ب)(۲)(iv) اساسنامه رم تحلیل شود. در زمان صلح، چنین رفتاری فعلاً خارج از صلاحیت ICC است و صرفاً در چارچوب دکترین اکوساید یا مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها قابل بررسی است.

۲. **بهره‌برداری نابرابر یا انحصاری از منابع آب:** مسدودسازی جریان آب یا کنترل انحصاری منابع مشترک، به‌ویژه در آب‌های فرامرزی، نقض اصول بنیادین حقوق بین‌الملل آب از جمله اصل استفاده منصفانه و معقول است. چنانچه این رفتار به‌صورت نظام‌مند و با علم به آثار انسانی شدید انجام شود، می‌تواند از سطح نقض تعهدات بین‌الدولی فراتر رفته و به‌عنوان رفتار زیان‌بار با آثار بین‌المللی مورد تحلیل کیفری قرار گیرد، هرچند سازوکار پیگرد کیفری مستقیم برای آن هنوز توسعه نیافته است. چارچوب حقوقی قابل استناد: UN Convention on the Law of the Non-Navigational Uses of International Watercourses (1997) Article 5 (اصل استفاده منصفانه و معقول) Article 7 (تعهد به عدم وارد آوردن ضرر قابل‌توجه) تحلیل ارجاعی: مسدودسازی یا

مناسب زندگی) Article 12 (حق بر بالاترین استاندارد قابل حصول سلامت) تحلیل ارجاعی: اگر استخراج افراطی آب منجر به نقض گسترده و آگاهانه حق دسترسی به آب شود، می‌تواند زمینه‌ساز مسئولیت بین‌المللی دولت و در شرایط خاص، تحلیل کیفی غیرمستقیم شود.

۵. محروم‌سازی اقلیت‌ها یا گروه‌های خاص از دسترسی به آب: محروم‌سازی عمدی و نظام‌مند گروه‌های خاص از دسترسی به آب سالم، در صورتی که در قالب یک سیاست یا رویه گسترده علیه جمعیت غیرنظامی اعمال شود، می‌تواند مصداقی از جنایت علیه بشریت تلقی شود. چنین رفتاری، به‌ویژه زمانی که منجر به رنج شدید، بیماری یا مرگ شود، با مفاهیمی مانند آزار و اذیت یا سایر اعمال غیرانسانی در حقوق بین‌الملل کیفری قابل انطباق است. چارچوب کیفری بین‌المللی بسیار مهم: ماده (۱)۷ اساسنامه رم (جنایت علیه بشریت: اعمالی در قالب حمله گسترده یا نظام‌مند علیه جمعیت غیرنظامی) به‌ویژه: Article 7(1)(h) (آزار و اذیت) Article 7(1)(k) (سایر اعمال غیرانسانی با ایجاد رنج شدید) تحلیل ارجاعی: محروم‌سازی سیستماتیک و هدفمند اقلیت‌ها از آب سالم، در صورت تحقق عنصر زمینه‌ای، می‌تواند مصداق جنایت علیه بشریت باشد؛ حتی در زمان صلح.

۶. سیاست‌های دولتی مخرب مؤثر بر منابع آب: سیاست‌های دولتی که به‌طور آگاهانه به تخریب گسترده اکوسیستم‌ها و منابع آبی منجر می‌شوند، مانند برخی سیاست‌های توسعه‌ای یا بهره‌برداری افراطی از منابع طبیعی، در حال حاضر بیشتر در چارچوب مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها تحلیل می‌شوند. با این حال، در ادبیات نوین حقوق بین‌الملل، این نوع سیاست‌ها به‌عنوان نمونه‌های بالقوه اکوساید مورد بحث قرار گرفته‌اند، هرچند هنوز مبنای کیفری الزام‌آور در حقوق بین‌الملل مثبت ندارند. چارچوب حقوقی فعلی (غیرالزام‌آور): Independent Expert Panel for the Legal Definition of Ecocide (2021) (حمایت شده توسط Foundation – فاقد الزام حقوقی) ماده ۵ اساسنامه رم (عدم شمول اکوساید در فهرست جرایم اصلی) تحلیل ارجاعی: سیاست‌های دولتی مخرب در حال حاضر در چارچوب حقوق بین‌الملل کیفری قابل پیگرد نیستند، مگر در چارچوب جرایم موجود؛ اما در ادبیات دکترینال به‌عنوان مصادیق بالقوه اکوساید تحلیل می‌شوند.

۱-تخریب منابع آبی

به واسطه اهمیت و جایگاه ویژه آب، شرکت‌کنندگان دومین کنفرانس آب که در مارس ۱۹۹۴ در هلند برگزار شد، تقسیم منابع آب در جهان را «تقسیم حیات» نامیدند (عسگری، ۱۳۸۱).

تخریب منابع آبی از رهگذر انواع آلودگی‌ها و شیوه‌های غیرمجاز حاصل می‌شود؛ در میان انواع مختلف آلاینده‌ها، نفت و فرآورده‌های نفتی سهم چشمگیری در ایجاد آلودگی منابع آبی دارند. کشور ما نیز به دلیل هم‌جواری با خلیج

فارس – که بخش عمده‌ای از منابع نفتی جهان در آن متمرکز است – در معرض آسیب‌های جدی و خسارت‌بار ناشی از ورود این ترکیبات به چرخه‌های زیستی قرار دارد (Canby، ۱۹۹۱).

در ادامه به بررسی ابعاد تخریب منابع آبی پرداخته می‌شود.

۱-۱-تخریب منابع آبی و انواع مختلف آلودگی‌ها، برداشته‌های ناپایدار و استفاده‌های غیرمجاز از منابع آبی

از بین رفتن منابع آبی در یک منطقه می‌تواند پیامدهای گسترده‌ای برای اکوسیستم همان محیط داشته باشد و به تبع آن، با ایجاد اختلال در تعادل طبیعی، موجب رشد عوامل بیماری‌زا، تهدید امنیت غذایی و بروز هزاران مشکل دیگر شود.

ژاک ایو کوستو باتوجه به این مسائل، بارها این جمله را تکرار کرده است: او دریاها را به حوضچه‌هایی تشبیه کرده است که آب رودخانه‌های آلوده و مسموم به آنها وارد می‌شود. وی در سال ۱۹۷۲ بیان کرده است: «آلودگی آب، منشأ آلودگی‌ها است. این آلودگی در هوا منتشر شده، به زمین نفوذ می‌کند و در نهایت با آلودگی اقیانوس‌ها، جهان را به باتلاقی از آلودگی تبدیل می‌سازد» (Canby، ۱۹۹۱). این فرایند تحت تأثیر عوامل گوناگونی به شرح ذیل قرار دارد:

الف) بهره‌برداری غیرقانونی از منابع آبی

بهره‌برداری غیرقانونی از منابع آبی، به یکی از چالش‌های جدی در مدیریت منابع آب جهانی تبدیل شده است. این پدیده که به دلیل رشد جمعیت، گسترش کشاورزی بی‌رویه و ضعف در اجرای قوانین رخ داده، تأثیرات مخربی بر پایداری منابع آبی، اکوسیستم‌ها و معیشت انسان‌ها دارد. رقابت بر سر دسترسی به منابع محدود آب، به تضادهای اجتماعی و اقتصادی منجر شده است. این تضادها در برخی مناطق باعث درگیری‌های محلی و مهاجرت‌های اجباری شده است، که خود تبعات اقتصادی و اجتماعی گسترده‌ای به همراه دارد. در مجموع، می‌توان نتیجه گرفت که «با وجود شمول رفتار مخرب، هیچ معاهده‌ای این اقدام را تحت عنوان جرم قابل مجازات بر اساس حقوق بین‌الملل نمی‌شناسد.» چنین جمله‌هایی باید افزوده شوند.

ب) برداشت بی‌رویه از آب‌های زیرزمینی

برداشت بی‌رویه از آب‌های زیرزمینی، به‌ویژه در مناطقی با کمبود آب، پیامدهای جبران‌ناپذیری برای محیط‌زیست و جوامع انسانی به همراه داشته است. این پدیده در کشورهایی مانند هند و ایران که به‌شدت به منابع آب زیرزمینی وابسته هستند، ابعاد بحرانی پیدا کرده است. وضعیت در هند: هند به‌عنوان یکی از بزرگ‌ترین مصرف‌کنندگان آب زیرزمینی در جهان، با بحران جدی کاهش منابع زیرزمینی مواجه است. براساس گزارش سازمان غذا و کشاورزی (FAO، ۲۰۲۰) سالانه بیش از ۲۵ میلیون چاه کشاورزی به‌طور غیرقانونی از منابع آب زیرزمینی در این کشور بهره‌برداری می‌کنند. این برداشت بی‌رویه در دهه گذشته باعث کاهش میانگین ۱۵ متر از سطح

آب زیرزمینی در بسیاری از مناطق، از جمله ایالت‌های پنجاب و هاریانا شده است. وابستگی شدید به کشاورزی آبی و عدم نظارت کافی بر حفر چاه‌های غیرمجاز، عامل اصلی این بحران است. علاوه بر این، کاهش سطح آب زیرزمینی منجر به شوری آب و کاهش کیفیت آن شده است، که خود چالش‌های جدیدی را برای کشاورزان و جامعه ایجاد کرده است. براساس گزارش [FAO \(۲۰۲۱\)](#) بیش از ۶۰ درصد کشورهای خاورمیانه و آسیای جنوبی با کاهش جدی سطح سفره‌های زیرزمینی مواجه هستند. در این مناطق، رشد جمعیت، تغییرات اقلیمی و توسعه غیرپایدار کشاورزی فشار زیادی بر منابع آب زیرزمینی وارد کرده است. به عنوان مثال، در پاکستان و بنگلادش، استفاده غیرقانونی و بیش از حد از آب زیرزمینی باعث کاهش شدید کیفیت آب شده است، به طوری که مقادیر زیادی آرسنیک در آب‌های زیرزمینی شناسایی شده که تهدیدی جدی برای سلامت انسان‌ها به شمار می‌رود. این کاهش سطح، در کنار دشواری دسترسی به آب شرب، منجر به فرونشست زمین در بسیاری از مناطق شده است. بر اساس [World Health Organization \(۲۰۲۱\)](#) فرونشست زمین در مناطقی مانند شمال هند و جنوب ایران، سالانه بین ۱۰ تا ۱۵ سانتی‌متر است که تهدیدی جدی برای زیرساخت‌ها، ساختمان‌ها و زمین‌های کشاورزی محسوب می‌شود. همچنین برداشت بی‌رویه آب زیرزمینی موجب کاهش کیفیت آب شده است. نفوذ آب شور به سفره‌های زیرزمینی، به ویژه در مناطق نزدیک به دریاها، یکی از نتایج این برداشت‌های بی‌رویه است. این پدیده در مناطقی مانند سواحل خلیج فارس و سواحل غربی هند به شدت محسوس است. کاهش دسترسی به آب زیرزمینی باعث کاهش تولید محصولات کشاورزی، افزایش هزینه‌های آبیاری و در نتیجه فشار اقتصادی بر کشاورزان شده است.

ج) استفاده انحصاری توسط صنایع بزرگ بسیاری از شرکت‌های چندملیتی، به ویژه در صنایع نوشیدنی، معدن و تولیدات صنعتی، از منابع آبی کشورها به طور گسترده و اغلب بدون در نظر گرفتن نیازهای محلی یا پیامدهای محیط‌زیستی بهره‌برداری می‌کنند. این مسئله به بروز نابرابری‌های اجتماعی، تنش‌های محلی و کاهش دسترسی جوامع به منابع حیاتی آب منجر شده است. یکی از برجسته‌ترین نمونه‌های این پدیده، صنایع نوشیدنی و تولید آب معدنی است. شرکت‌های چندملیتی مانند کوکاکولا و پپسی در بسیاری از کشورهای در حال توسعه، از جمله هند، مکزیک و برزیل، به بهره‌برداری گسترده از منابع آبی پرداخته‌اند.

شرکت کوکاکولا در ایالت کرالا هند به دلیل برداشت بی‌رویه آب‌های زیرزمینی، با انتقادات شدید محلی مواجه شده است. طبق گزارش ایندیا ریسورس سنتر (۲۰۲۰) این شرکت سالانه بیش از ۵۰۰,۰۰۰ لیتر آب زیرزمینی را در یک کارخانه در پلاچیمادا برداشت می‌کرد. این برداشت گسترده باعث کاهش شدید سطح آب زیرزمینی شده و بسیاری از کشاورزان

و روستاییان را با بحران کم‌آبی مواجه کرده است. در نتیجه اعتراضات محلی و فشارهای بین‌المللی، فعالیت این کارخانه در سال ۲۰۰۴ متوقف شد؛ اما آثار محیط‌زیستی و اجتماعی آن همچنان باقی است.

در مکزیک، کوکاکولا یکی از بزرگ‌ترین مصرف‌کنندگان آب زیرزمینی است. گزارش منتشر شده [World Bank \(۲۰۲۰\)](#) نشان می‌دهد که این شرکت در ایالت‌های خشک مکزیک، مانند سن لوییس پوتوسی، از منابع آبی به صورت انحصاری بهره‌برداری کرده و باعث کاهش دسترسی جوامع محلی به آب شرب شده است. هم‌زمان، آب‌های بسته‌بندی شده این شرکت به قیمت‌های بالایی به همین جوامع فروخته می‌شود، که خود باعث ایجاد نارضایتی گسترده شده است. بهره‌برداری در صنایع معدنی صنایع معدنی نیز از دیگر مصرف‌کنندگان انحصاری منابع آبی هستند که تأثیرات شدیدی بر منابع آبی جوامع محلی دارند. این صنایع برای فرآیندهای استخراج و شستشوی مواد معدنی، به مقادیر عظیمی از آب نیاز دارند و اغلب این آب را از منابع محلی تأمین می‌کنند. شرکت‌های معدنی مانند BHP Billiton و Antofagasta Minerals در بیابان آتاکامای شیلی، یکی از خشک‌ترین مناطق جهان، به بهره‌برداری گسترده از منابع آبی پرداخته‌اند.

این شرکت‌ها سالانه بیش از ۶۵ درصد از منابع آبی محلی را مصرف می‌کنند. در حالی که جوامع بومی و کشاورزان محلی با کمبود شدید آب مواجه هستند. علاوه بر این، استفاده از آب برای استخراج مس و لیتیوم در این منطقه، منجر به آلودگی آب‌های زیرزمینی شده و تنش‌های اجتماعی گسترده‌ای را به همراه داشته است. صنایع بزرگ نه تنها آب‌های محلی را مصرف می‌کنند، بلکه با تخلیه پساب‌های آلوده به منابع آبی، کیفیت آن‌ها را نیز به شدت کاهش می‌دهند. این آلودگی‌ها به کاهش تنوع زیستی، از بین رفتن اکوسیستم‌های آبی و تهدید سلامت انسان‌ها منجر می‌شود. طبق گزارش [World Resources Institute WRI \(۲۰۲۱\)](#) صنایع معدنی و نوشیدنی مسئول بیش از ۱۵ درصد از مصرف جهانی آب‌های زیرزمینی در مناطق بحرانی هستند.

د) استفاده از آب به عنوان ابزار جنگی درگیری‌های مسلحانه و جنگ‌های داخلی در مناطق مختلف جهان، منابع آبی را به یکی از ابزارهای راهبردی برای اعمال فشار و تسلط بر جمعیت غیرنظامی تبدیل کرده‌اند. کنترل، قطع یا تخریب منابع آبی، پیامدهای زیان‌باری برای جمعیت‌های غیرنظامی و محیط‌زیست داشته و از سوی نهادهای بین‌المللی، مانند سازمان ملل، به عنوان نقض آشکار حقوق بشر شناخته شده است. در جریان جنگ داخلی سوریه، آب به یک ابزار کلیدی در راهبردهای نظامی تبدیل شد. طرفین درگیری، نظیر از دولت سوریه و گروه‌های مخالف، از کنترل منابع آبی برای اعمال فشار بر جوامع غیرنظامی استفاده کردند. براساس گزارش سازمان ملل در ۲۰۱۹، طرفین درگیری به طور مکرر خطوط لوله آب را تخریب کرده یا دسترسی به منابع آبی را مسدود کردند. در سال ۲۰۱۵، کنترل

بر رودخانه فرات و منابع آبی مرتبط، به یکی از ابزارهای اصلی گروه داعش برای اعمال فشار بر مناطق تحت کنترل دولت تبدیل شد. قطع دسترسی به منابع آب توسط گروه‌های مسلح باعث ایجاد بحران‌های انسانی، از جمله شیوع بیماری‌ها و مهاجرت‌های گسترده در مناطقی مانند حلب و رقه شد.

در جریان جنگ خلیج فارس در سال ۱۹۹۱ نیز استفاده از منابع آبی به عنوان ابزار جنگی، خسارات جبران‌ناپذیری به زیرساخت‌ها و محیط‌زیست عراق وارد کرد. نیروهای عراقی در جریان عقب‌نشینی از کویت، سدهای مهم را تخریب کردند تا پیشروی نیروهای ائتلاف را کند کنند و آسیب‌های محیطی و انسانی گسترده‌ای ایجاد کنند. براساس گزارش [World Bank \(۲۰۱۹\)](#) تخریب این سدها باعث نابودی بخش‌های وسیعی از زمین‌های کشاورزی و زیرساخت‌های آبی شد. تخریب سدها باعث آزاد شدن مقادیر عظیمی از آب و ایجاد سیلاب‌هایی شد که نه تنها مناطق کشاورزی را نابود کرد، بلکه باعث آلودگی منابع آب و تخریب اکوسیستم‌های طبیعی شد.

یکی از نمونه‌های دیگر استفاده از منابع آبی به عنوان ابزار جنگی، جنگ یمن است. طبق گزارش [World Bank \(۲۰۲۰\)](#) تخریب زیرساخت‌های آبی در مناطق شهری و روستایی توسط نیروهای متخاصم، بحران انسانی را تشدید کرد. تخریب زیرساخت‌های آبرسانی در صنعا و حدیده، باعث شد میلیون‌ها نفر به آب شرب ایمن دسترسی نداشته باشند. این اقدام از سوی سازمان ملل، به عنوان یک استراتژی برای اعمال فشار بر غیرنظامیان و تسلیم آن‌ها در مقابل طرفین درگیری تلقی شده است. بحران کم‌آبی ناشی از تخریب زیرساخت‌ها، شیوع بیماری‌هایی مانند وبا را به شدت افزایش داد. بر اساس آمار [World Bank \(۲۰۲۰\)](#) بیش از ۱ میلیون مورد ابتلا به وبا در یمن گزارش شده است که بسیاری از آن‌ها ناشی از آلودگی منابع آبی بوده‌اند. براساس گزارش [UNESCO \(۲۰۲۱\)](#) در بیش از ۴۵ درصد از درگیری‌های مسلحانه در دهه‌های اخیر، منابع آبی به طور مستقیم یا غیرمستقیم به عنوان ابزار جنگی مورد استفاده قرار گرفتند.

۲-۱- اسناد بین‌المللی مرتبط

برخی از اسناد بین‌المللی مرتبط با این موضوع عبارتند از: الف) کنوانسیون رامسر ([Ramsar convention, ۱۹۷۱](#)) این معاهده برای حفاظت از تالاب‌ها و منابع آبی با ارزش جهانی تدوین شده است. تاکنون، بیش از ۱۷۰ کشور عضو این کنوانسیون شده‌اند و ۲,۴۰۰ تالاب به عنوان مناطق حفاظت شده تعیین شدند. بر اساس گزارش [IUCN \(۲۰۲۱\)](#) بیش از ۵۰ درصد از تالاب‌های حفاظت شده در معرض تهدید ناشی از آلودگی، تغییرات اقلیمی و بهره‌برداری بیش‌ازحد هستند.

ب) کنوانسیون بازل ([UNEP, ۱۹۸۹](#)) این معاهده بر مدیریت صحیح پسماندهای خطرناک و جلوگیری از ورود آن‌ها به منابع آبی تأکید دارد. طبق گزارش [UNEP \(۲۰۲۰\)](#) بیش از ۹۰

درصد از کشورهای عضو، برنامه‌های ملی برای مدیریت پسماندهای خطرناک تدوین کرده‌اند.

ج) حقوق بین‌الملل بشردوستانه: ([ICRC, ۱۹۷۷](#)) این پروتکل‌ها استفاده از منابع آبی برای آسیب رساندن به جمعیت غیرنظامی را ممنوع کرده‌اند. براساس گزارش [ICRC \(۲۰۱۹\)](#) درگیری‌های اخیر در یمن و سوریه نشان داد این قوانین در شرایط جنگ‌های نامتقارن اغلب نادیده گرفته می‌شوند.

۳-۱- کنوانسیون‌ها

کنوانسیون‌ها و حقوق بین‌المللی موضوع را می‌توان به دو دسته کلی، طبقه‌بندی کرد:

الف) کنوانسیون‌های حفاظت از محیط‌زیست:

در این دسته می‌توان به دو کنوانسیون زیر اشاره نمود:

-کنوانسیون مارپل^۷

یکی از مهمترین اسناد بین‌المللی در زمینه حفاظت از محیط‌زیست دریایی، کنوانسیون بین‌المللی جلوگیری از آلودگی ناشی از کشتی‌ها (مارپل) است. این کنوانسیون به دنبال رشد فزاینده حمل‌ونقل فرآورده‌های نفتی و مواد شیمیایی، توسط سازمان بین‌المللی دریانوردی^۸ در سال ۱۹۷۳ در لندن تصویب شد. در این مورد، قوانین بین‌المللی مانند کنوانسیون مارپل که به پیشگیری از آلودگی ناشی از کشتی‌ها می‌پردازد، بر مسئولیت کشورها و شرکت‌ها برای جلوگیری از این نوع آلودگی تأکید دارند.

مارپل تلفیقی از دو معاهده مصوب در سال‌های ۱۹۷۳ و ۱۹۷۸ میلادی است و تاکنون اصلاحات متعددی بر آن اعمال شده است. این کنوانسیون دارای ۶ ضمیمه بوده و از سال ۱۹۸۳ لازم‌الاجرا شده و هم‌اکنون ۱۱۹ کشور به عضویت آن درآمده است. مواد ۴ و ۵ کنوانسیون، دولت‌ها را ملزم به تدوین قوانین داخلی در راستای اجرای آن می‌کند و بندهای ۶ و ۷ نیز بازرسی کارآمد از کشتی‌های خارجی و جلوگیری از توقیف‌های بی‌مورد را مورد تأکید قرار داده است.

-کنوانسیون پاریس (کنوانسیون حفاظت از محیط‌زیست دریایی)

بسیاری از کنوانسیون‌های بین‌المللی، مانند کنوانسیون جهانی تنوع زیستی^۹ که مربوط به آلودگی دریاها و آب‌ها است، بر لزوم جلوگیری از آلودگی و تخریب منابع آبی تأکید دارند. برخی از این کنوانسیون‌ها، به ویژه در زمینه آلودگی صنعتی و نفتی در دریاها، ممکن است به نوعی به عنوان جنایت علیه محیط‌زیست یا جنایت علیه آب در نظر گرفته شوند. به عنوان مثال ریختن عمدی یا غیرعمدی نفت در دریاها می‌تواند به طور جدی به اکوسیستم‌های دریایی آسیب بزند و اثرات زیان‌باری بر منابع آبی و زیستگاه‌های دریایی داشته باشد. این گونه آلودگی‌ها می‌تواند به عنوان نقض جدی حقوق محیط زیست و در موارد خاص در حقوق داخلی کشورها به عنوان جنایت‌های محیط‌زیستی شناخته شوند. برخی از صنایع نیز ممکن است به طور عمدی یا به دلیل سهل‌انگاری، مواد سمی را وارد منابع آبی کنند که به شدت بر کیفیت آب و

سلامت انسان‌ها تأثیر می‌گذارد. این نوع آلودگی‌ها نیز ممکن است تحت چارچوب‌های قانونی به‌عنوان جنایت محیط‌زیستی در نظر گرفته شوند، زیرا به‌طور مستقیم به منابع آبی آسیب می‌زنند.

ب) کنوانسیون‌های مربوط به آب‌های مرزی
از این دسته کنوانسیون‌ها می‌توان به کنوانسیون هلسینکی و کنوانسیون نیورک اشاره کرد:

-کنوانسیون هلسینکی
کنوانسیون آب سازمان ملل که در سال ۱۹۹۲ در هلسینکی امضا و در ۱۹۹۶ اجرایی شد، در ماده ۲۲ خود به «حل و فصل اختلافات» از طریق مذاکره و روش‌های مسالمت‌آمیز تأکید دارد. این یعنی امکان ارجاع پرونده‌ها به محاکم داخلی یا حتی دادگاه کیفری بین‌المللی وجود دارد، هرچند با محدودیت‌هایی همراه است.

کنوانسیون‌های بین‌المللی آب‌های مرزی مانند کنوانسیون هلسینکی ۱۹۹۲ و کنوانسیون نیویورک ۱۹۹۷ به تنظیم استفاده و حفاظت از رودخانه‌ها و دریاچه‌های مرزی می‌پردازند. در صورتی که یک کشور به طور عمدی یا غیرعمدی باعث آلودگی یا تخریب آب‌های مرزی شود، این می‌تواند به عنوان یک نقض حقوق بین‌المللی و نقض حاکمیت آب‌های مشترک شناخته شود.

-کنوانسیون نیویورک
کنوانسیون استفاده‌های غیرملاحی از آبراه‌های بین‌المللی ۱۹۹۷ است که در نیویورک امضا و در ۲۰۱۴ لازم‌الاجرا شده و با رویکردی محیط‌زیستی‌تر، آب شیرین را مستقیماً مدنظر قرار می‌دهد. این کنوانسیون بر اصل «استفاده منصفانه و معقول» تأکید دارد و کشورهای عضو موظف به رعایت آن هستند، اما راهکارهای آن بیشتر مدنی مانند مذاکره، داوری یا ارجاع به دیوان بین‌المللی دادگستری است و ضمانت اجرای کیفری مشخصی در آن وجود ندارد. بنابراین، هرچند معاهدات موجود گامی مهم در تنظیم روابط و تعهدات کشورها است، اما هنوز خلاء قابل توجهی در زمینه تعریف و پیگرد کیفری جرایم آبی بین‌المللی دیده می‌شود.

ج) تفاوت میان مسئولیت بین‌المللی دولت و مسئولیت کیفری فردی

یکی از چالش‌های اساسی در تحلیل حقوقی جرایم مرتبط با منابع آب، خلط میان دو رژیم متمایز اما مکمل در حقوق بین‌الملل است: **مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها و مسئولیت کیفری فردی**. این تمایز، به‌ویژه در بررسی معاهدات بین‌المللی آب، اهمیتی بنیادین دارد و عدم تفکیک آن می‌تواند مبنای نظری تحلیل کیفری را مخدوش سازد.

مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها ناظر بر انتساب رفتار متخلفانه به یک دولت به‌عنوان شخص حقوقی بین‌المللی است. در این چارچوب، نقض تعهدات معاهده‌ای یا عرفی؛ از جمله تعهد به استفاده منصفانه و معقول از منابع آب یا جلوگیری از آوردن ضرر قابل‌توجه به دولت‌های دیگر، منجر به مسئولیت دولت می‌شود. پیامدهای این مسئولیت عمدتاً

غیرکیفری است و شامل تعهد به توقف رفتار متخلفانه، جبران خسارت، تضمین عدم تکرار و حل‌وفصل اختلافات از طریق سازوکارهای مسالمت‌آمیز می‌گردد.

در مقابل، **مسئولیت کیفری بین‌المللی** مستلزم انتساب رفتار مجرمانه به **شخص حقیقی** است و نه به دولت. در حقوق کیفری بین‌الملل، تنها اشخاص حقیقی می‌توانند مرتکب «جنایت بین‌المللی» شوند و تحقق این مسئولیت نیازمند احراز عناصر مادی، معنوی و زمینه‌ای جرم است. این منطق در اساسنامه دادگاه کیفری بین‌المللی نیز به‌روشنی پذیرفته شده و دولت‌ها، به‌عنوان اشخاص حقوقی، موضوع مسئولیت کیفری قرار نمی‌گیرند، هرچند ممکن است هم‌زمان مسئولیت بین‌المللی دولت نیز مطرح باشد.

براین‌اساس، معاهدات بین‌المللی آب مانند **کنوانسیون هلسینکی ۱۹۹۲ و کنوانسیون نیویورک ۱۹۹۷** صرفاً در قلمرو مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها عمل می‌کنند. کنوانسیون هلسینکی با تمرکز بر همکاری، پیشگیری و حل‌وفصل اختلافات، در ماده ۲۲ خود سازوکارهای مسالمت‌آمیز مانند مذاکره و داوری را پیش‌بینی کرده و فاقد هرگونه نظام کیفری برای مجازات اشخاص حقیقی است. به همین ترتیب، کنوانسیون نیویورک با تأکید بر اصل استفاده منصفانه و معقول و تعهد به عدم وارد آوردن ضرر قابل‌توجه، ابزارهایی مدنی و بین‌الدولی مانند مذاکره یا ارجاع اختلاف به دیوان بین‌المللی دادگستری را ارائه می‌دهد و وارد حوزه مسئولیت کیفری فردی نمی‌شود.

بنابراین، نقض تعهدات مندرج در این معاهدات، حتی در موارد آلودگی یا تخریب گسترده منابع آب، به‌خودی‌خود منجر به مسئولیت کیفری بین‌المللی اشخاص نمی‌شود، مگر آن‌که رفتار ارتكابی واجد شرایط یک جنایت بین‌المللی مستقل در چارچوب حقوق کیفری بین‌الملل باشد. این تمایز نشان می‌دهد که هرچند معاهدات موجود نقش مهمی در تنظیم روابط و مسئولیت دولت‌ها ایفا می‌کنند، اما خلأ قابل‌توجهی در زمینه **انتساب کیفری رفتارهای مخرب علیه منابع آب به اشخاص حقیقی** همچنان باقی است.

ازاین‌رو، استناد به کنوانسیون‌های بین‌المللی آب باید در چارچوب مسئولیت دولت‌ها صورت گیرد و هرگونه بحث درباره «جنایت علیه آب» در سطح بین‌المللی، مستلزم عبور تحلیلی از این رژیم و ورود آگاهانه به منطق مسئولیت کیفری فردی است؛ امری که فقدان آن، یکی از چالش‌های اصلی حقوق بین‌الملل معاصر در حوزه حفاظت کیفری از منابع آب محسوب می‌شود.

۱-۴- حقوق بین‌الملل محیط‌زیست و منابع آبی

صنعتی‌شدن جوامع، گسترش صنایع، پیشرفت فناوری، و توسعه‌ی حمل‌ونقل برای تأمین نیازهای بشری و دستیابی به رفاه، موجب دخالت گسترده‌ی انسان در محیط طبیعی شده‌اند. این مداخلات، همراه با ورود فاضلاب‌های صنعتی و

کشاورزی و آلاینده‌هایی مانند مواد نفتی به منابع آبی، منجر به آلودگی شدید آب‌ها شده‌اند ([خالقی و همکاران، ۱۳۹۲](#)). با گسترش بحران‌های محیط‌زیستی و تشدید آلودگی منابع آبی، ضرورت حمایت کیفی از محیط‌زیست در سطح داخلی و بین‌المللی بیش از گذشته احساس می‌شود. منابع آب، به‌عنوان یکی از حیاتی‌ترین اجزای اکوسیستم، نقش مستقیمی در سلامت عمومی، امنیت غذایی و تعادل طبیعی دارند و از بین رفتن آن‌ها می‌تواند پیامدهایی جبران‌ناپذیر مانند شیوع بیماری، نابودی حیات وحش و برهم‌خوردن نظم زیستی به‌همراه داشته باشد. بیانیه‌های بین‌المللی مانند اعلامیه استکهلم ۱۹۷۲ و ریو ۱۹۹۲ بر مسئولیت دولت‌ها در تنظیم قوانین ملی برای جبران خسارات محیط‌زیستی تأکید کرده‌اند، اما در بسیاری موارد، اقدامات مخرب شرکت‌های صنعتی قدرتمند با ضمانت‌های صرفاً مدنی مواجه می‌شود ([رمضانی قوام آبادی، ۱۳۹۲](#)). این وضعیت، از نفوذ لابی‌های اقتصادی در فرآیند جرم‌انگاری ناشی شده و موجب نادیده‌گرفتن تهدیدات جدی علیه منابع طبیعی شده است ([بهره‌مند و رستمی، ۱۳۹۵](#)). با اینکه این سند عمدتاً به لزوم جبران خسارات وارده به محیط‌زیست توسط مرتکبان جرایم محیط‌زیستی اشاره دارد، اما در بسیاری از نظام‌های حقوقی، چنین مسئولیتی صرفاً در چارچوب مدنی باقی نمانده و به‌تدریج، برداشت‌ها و رویه‌ها به سمت شناسایی مسئولیت کیفی برای این‌گونه اقدامات نیز گسترش یافته‌اند ([World Resources Institute, ۲۰۲۱](#)).

در نبود یک چارچوب کیفی جامع بین‌المللی برای جرایم محیط‌زیستی، تنها در برخی موقعیت‌های خاص مانند زمان جنگ امکان پیگرد کیفی جرایم آبی وجود دارد. یکی از محدود استثنایها در این زمینه، مقررات مرتبط با کنوانسیون‌های ژنو است. بر اساس ماده ۵۶ از پروتکل اول و ماده ۱۵ از پروتکل دوم الحاقی به کنوانسیون‌های ژنو ۱۹۷۷، هرگونه حمله به تأسیسات زیرساختی خطرناک؛ از جمله سدها و خاکریزها ممنوع است، مشروط بر اینکه چنین حمله‌ای ممکن است منجر به رهایی نیروهای خطرناک (مانند حجم عظیم آب) و مرگ‌ومیر شدید غیرنظامیان شود. از آنجا که تأسیسات آبی غالباً در حوزه‌های داخلی قرار دارند، پیگرد این‌گونه جرایم در عمل بیشتر به نظام‌های حقوقی ملی^{۱۰} وابسته است تا سازوکارهای بین‌المللی. در همین راستا، پژوهشگران تأکید کرده‌اند که: «قانون کیفی محیط‌زیستی همچنان ابزار کشورها باقی خواهد ماند، چراکه در حقوق بین‌الملل، پذیرش مسئولیت کیفی دولت هنوز رواج ندارد».

در نتیجه، بسیاری از موارد نقض جدی محیط‌زیست آبی به اقداماتی مانند اطلاع‌رسانی، کمک اضطراری، جبران خسارت یا پاک‌سازی ختم می‌شوند و نه به پیگرد کیفی. به‌عنوان مثال؛ محدودیت‌های حمله به تأسیسات حیاتی مانند سدها و تصفیه‌خانه‌ها بیشتر جنبه‌ی توصیه‌ای دارند تا الزام‌آور. پتر گلیک^{۱۱}، کارشناس برجسته منابع آب، هشدار می‌دهد که این وضعیت باعث می‌شود اقدامات تخریبی که بازسازی و

بازگشت به صلح را دشوار می‌کنند، به‌راحتی رخ دهند بی‌آنکه پاسخگویی مؤثری در پی داشته باشند. بنابراین، تا زمانی که حقوق بین‌الملل نتواند مسئولیت کیفی روشن و الزام‌آور برای جرایم آبی در زمان صلح تعریف کند، اجرای عدالت عمده‌تاً به قوانین داخلی کشورها و اراده‌ی سیاسی آن‌ها وابسته خواهد ماند.

برخی سفره‌های آب زیرزمینی از طریق نفوذ آب باران و روان‌آب‌ها به‌صورت طبیعی تغذیه می‌شوند، اما تغییرات اقلیمی، به‌ویژه دگرگونی الگوهای بارندگی، می‌تواند این فرآیند را مختل کرده و فرصت‌هایی برای سوءاستفاده انسانی ایجاد کند؛ از جمله انحراف عامدانه جریان‌های سطحی برای جلوگیری از تغذیه منابع زیرزمینی، برداشت بی‌رویه و غیرقانونی از این منابع (موسوم به «معدن‌کاری آبی»)^{۱۲} و تغییر تخصیص آب به‌نفع منافع سیاسی یا اقتصادی خاص. چنین اقدامات عامدانه‌ای، با توجه به نقش حیاتی آب شیرین در بقای جمعیت‌ها، می‌توانند به‌عنوان اشکال نوظهور جرم آبی در سطح بین‌المللی شناسایی شوند. درحالی‌که حقوق بین‌الملل سابقه‌ای در پرداختن به آسیب‌های محیط‌زیستی دارد، فشار بر منابع آب شیرین عمدتاً در چارچوب قوانین ملی و تحت عناوینی همچون کلاهبرداری، توطئه یا تروریسم پیگیری شده که در مواجهه با بحران جهانی آب کافی نیست. تغییرات اقلیمی ناشی از فعالیت انسانی، که فشار بر منابع آبی را تشدید می‌کند، ضرورت توسعه‌ی چارچوب‌های بین‌المللی برای شناسایی، پیگرد و پیشگیری از این جرایم را دوچندان کرده است. این امر مستلزم اصلاح و گسترش توافق‌نامه‌های بین‌المللی موجود، از جمله کنوانسیون سازمان ملل متحد درباره حفاظت و استفاده از آبراه‌های مرزی و دریاچه‌های بین‌المللی، و همچنین تعریف مسئولیت کیفی برای رفتارهایی است که باعث تشدید یا بهره‌برداری از تنش آبی می‌شوند. افزون‌براین، منابعی مانند آب‌های زیرزمینی، باران ذخیره شده، روان‌آب‌ها و فاضلاب تصفیه شده باید در قالب یک چارچوب حقوقی یکپارچه برای مدیریت منابع آب شیرین گنجانده شوند. در نهایت، محافظت جدی و منسجم از منابع آب نه‌تنها پیش‌شرط توسعه پایدار بلکه ضامن بقای تمدن بشری است؛ هدفی که تنها از طریق تعهدات الزام‌آور چندجانبه، نظارت مؤثر و پیگرد کیفی جدی در سطح بین‌المللی قابل تحقق خواهد بود.

۱-۴-۱- تهدیدهای پیش‌روی منابع آبی

تهدیدهای پیش‌روی منابع آبی جهانی فراتر از چالش‌های محض محیط‌زیستی هستند و ابعاد اقتصادی، اجتماعی و بهداشتی گسترده‌ای دارند. این تهدیدها به شدت تحت تأثیر روندهای رشد جمعیت، تغییرات اقلیمی و سیاست‌های مدیریت منابع آبی قرار دارند. بهره‌برداری بی‌رویه از منابع آبی و آلودگی‌های ناشی از صنایع و کشاورزی از جمله عواملی هستند که به تخریب کیفیت و کمیت آب‌ها منجر می‌شوند.

از این رو، نگرانی‌ها برای آینده تأمین آب سالم و کافی برای جمعیت جهانی روز به روز بیشتر می‌شود.

الف) آلودگی صنعتی: آلودگی منابع آبی به واسطه فاضلاب‌های صنعتی یکی از تهدیدات جدی برای اکوسیستم‌های آبی است. مواد شیمیایی سمی که از کارخانه‌ها و صنایع به رودخانه‌ها و دریاها وارد می‌شود، می‌تواند زندگی آبی را به‌طور گسترده‌ای تحت تأثیر قرار دهد. علاوه بر این، آلودگی ناشی از فعالیت‌های استخراج معادن، فرآیندهای تولیدی و تخلیه فاضلاب‌های صنعتی می‌تواند باعث مسمومیت منابع آب شود و کیفیت آن‌ها را به حدی کاهش دهد که دیگر قابل استفاده نباشند.

ب) دفع زباله‌های سمی: دفع نادرست زباله‌ها و مواد شیمیایی خطرناک، از جمله ضایعات کشاورزی و صنعتی، در بسیاری از مناطق موجب آلودگی آب‌های زیرزمینی و سطحی می‌شود. این مواد نه تنها بر کیفیت آب تأثیر می‌گذارند، بلکه می‌توانند وارد زنجیره غذایی شوند و سلامت انسان‌ها و حیوانات را تهدید کنند. برخی از این مواد حتی می‌توانند در بدن موجودات زنده تجمع یافته و باعث بروز بیماری‌های مختلف شوند.

ج) بهره‌برداری بیش از حد از منابع آبی: یکی از بزرگترین تهدیدات در برابر منابع آبی، برداشت بی‌رویه از آن‌ها به‌ویژه در کشاورزی است. در بسیاری از کشورهای در حال توسعه، به‌ویژه در مناطقی که با خشکسالی و کمبود بارش مواجه هستند، برداشت بیش از حد آب‌های زیرزمینی برای آبیاری کشاورزی و مصارف دیگر باعث کاهش سطح آب‌های زیرزمینی و فروپاشی منابع آب شده است. این وضعیت نه تنها به کاهش کیفیت آب منجر می‌شود، بلکه باعث بروز بحران‌های اقتصادی و اجتماعی در جوامع محلی می‌شود.

د) تغییرات اقلیمی و اثرات آن بر منابع آبی: تغییرات اقلیمی به‌طور مستقیم بر توزیع و در دسترس بودن منابع آب تأثیر می‌گذارد. افزایش دما باعث تبخیر بیشتر آب‌ها، کاهش بارش‌ها و تغییر الگوهای بارش می‌شود که در نتیجه موجب کمبود آب در برخی مناطق می‌شود. به‌ویژه در مناطق خشک و نیمه‌خشک جهان، این تغییرات می‌تواند به کاهش دسترسی به منابع آبی و تشدید بحران‌های آبی منجر شود. پیامدهای بهداشتی و اجتماعی: کمبود آب پاک و سالم و آلودگی منابع آبی به‌شدت بر سلامت انسان تأثیر می‌گذارد. بسیاری از بیماری‌ها و عفونت‌های مربوط به آب آلوده، از جمله اسهال، بیماری‌های تنفسی و انواع عفونت‌های پوستی، در مناطقی با منابع آبی آلوده شیوع بیشتری دارند. علاوه بر آن، در مناطقی که منابع آب به شدت محدود است، مردم برای تأمین آب به منابع غیر بهداشتی یا آبی که از فاضلاب‌های صنعتی و کشاورزی آلوده شده‌اند، متکی می‌شوند که باعث گسترش بیماری‌ها و افزایش نرخ مرگ‌ومیر می‌شود.

ه) منطقه‌ای شدن تهدیدها: مناطق خاصی مانند جنوب آسیا و آفریقا به شدت تحت تأثیر تغییرات اقلیمی و بحران آب قرار دارند. این مناطق به دلیل رشد سریع جمعیت، وابستگی زیاد

به کشاورزی و کمبود زیرساخت‌های مناسب برای مدیریت منابع آب، با تهدیدات زیادی مواجه هستند. در این مناطق، کمبود آب نه تنها بر امنیت غذایی و اقتصادی تأثیر می‌گذارد؛ بلکه می‌تواند منجر به بروز تنش‌ها و درگیری‌های اجتماعی نیز شود.

برای مقابله با این تهدیدات، نیاز به سیاست‌ها و تدابیر موثر در مدیریت منابع آب، کاهش آلودگی‌ها، و بهره‌برداری پایدار از منابع آبی است. استفاده از فناوری‌های نوین مانند تصفیه فاضلاب، توسعه سیستم‌های آبیاری کارآمدتر، و تغییرات در رفتار مصرفی آب می‌تواند به کاهش فشار بر منابع آبی کمک کند. همچنین، آگاهی‌بخشی عمومی و تقویت همکاری‌های بین‌المللی در زمینه حفاظت از منابع آبی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. با توجه به گستردگی و پیچیدگی این تهدیدات، اقدامات فوری و جامع برای مقابله با آن‌ها ضروری است. بدون شک، دستیابی به یک آینده پایدار برای منابع آبی جهان نیازمند همکاری‌های جهانی، سیاست‌گذاری‌های هوشمندانه و تغییرات بنیادین در شیوه‌های بهره‌برداری از آب است.

۱-۴-۲- بررسی معاهدات دوجانبه درباره استفاده مشترک از رودخانه‌ها، دریاچه‌ها و دیگر منابع آبی

جامعه جهانی طی چند دهه اخیر، برای مهار بحران‌های محیط‌زیستی گام‌های اساسی برداشته است. از جمله، انعقاد بیش از ۳۰۰ معاهده چندجانبه، حدود ۱۰۰۰ معاهده دوجانبه و بالغ بر ۷۰ سند بین‌المللی که بخش قابل توجهی از آن‌ها به حفاظت از منابع آبی اختصاص یافته است (مولائی، ۱۳۸۶). با این حال، مطالعه قوانین و مقررات کیفری در حوزه آیین دادرسی نشان می‌دهد در زمینه تشکیل دادگاه‌های تخصصی مرتبط با منابع آب خلأهای قابل توجهی وجود دارد. این فقدان ساختار قضایی تخصصی، رسیدگی مؤثر به جرائم محیط‌زیستی را با چالش‌هایی جدی روبه‌رو ساخته است.

الف) کنوانسیون کویت
کنوانسیون منطقه‌ای کویت مشتمل بر ۳۰ ماده است و از کشورهای عضو می‌خواهد تا فعالیت‌های اقتصادی و اجتماعی خود را به گونه‌ای سازماندهی کنند که موجب آلودگی محیط‌زیست دریایی نشود. پس از تصویب این کنوانسیون، سه پروتکل الحاقی نیز به تصویب رسید: اول، پروتکل ویژه آلودگی ناشی از اکتشاف و استخراج در فلات قاره، دوم: پروتکل مقابله با آلودگی ناشی از منابع مستقر در خشکی، سوم: پروتکل مربوط به حمل‌ونقل و دفع مواد زائد خطرناک در دریا.

ب) کنوانسیون تهران
کنوانسیون تهران دارای شش بند مقدماتی و ۳۷ ماده است. در بندهای مقدماتی، به تخریب محیط‌زیست دریای خزر ناشی از فعالیت‌های انسانی از جمله دفع زباله‌ها و آلاینده‌ها اشاره شده و بر ضرورت حفاظت از منابع زنده برای نسل‌های فعلی و آینده تأکید شده است (مولائی، ۱۳۸۶).

این کنوانسیون بر جلوگیری، کاهش و کنترل آلودگی‌ها تمرکز دارد و در ماده ۱۱، آلودگی‌ها را به پنج دسته تقسیم می‌کند: ۱- آلودگی ناشی از خشکی، ۲- فعالیت‌های مربوط به بستر دریا، ۳- آلودگی‌های ناشی از کشتی‌ها، ۴- ریختن مواد زائد و ۵- سایر فعالیت‌های انسانی.

همچنین هشت پروتکل برای اجرای این کنوانسیون پیش‌بینی شده است که شامل موضوعاتی چون آلودگی نفتی، تنوع زیستی، ارزیابی محیط‌زیستی فرامرزی، منابع شیلاتی و تغییرات سطح آب دریا می‌شود (میلر، ۱۳۷۷).

ج) کنوانسیون OPRC

در پی حادثه نشت نفت از نفت‌کش اکسون‌والدر در سواحل آلاسکا، کنوانسیون بین‌المللی آمادگی، مقابله و همکاری در برابر آلودگی نفتی در سال ۱۹۹۰ توسط سازمان بین‌المللی دریانوردی به تصویب رسید و از سال ۱۹۹۵ لازم‌الاجرا شد. هدف اصلی این کنوانسیون، فراهم‌سازی سازوکارهای واکنش سریع و مؤثر در برابر سوانح نفتی و ایجاد زمینه‌های همکاری بین‌المللی در مقابله با آن‌ها است (کیس و همکاران، ۱۳۹۲).

۲- تخریب منابع آبی در پرتو تخریب محیط‌زیست

بحث درباره جرایم آبی به این سوال مهم برمی‌گردد که بر چه اساس و معیارهایی باید این جرایم تعریف و مورد قضاوت قرار گیرند. یکی از مباحث امیدوارکننده، بررسی معاهدات جهانی سازمان ملل است. در حال حاضر، دیوان کیفری بین‌المللی تنها در صورتی می‌تواند پیگرد کیفری انجام دهد که جرم مدنظر در اساسنامه رم به‌عنوان جنایت جنگی، جنایت علیه بشریت یا نسل‌کشی شناخته شده باشد و صلاحیت دادگاه احرار شود. از آنجا که جرایم محیط‌زیستی مانند «اکوساید» هنوز رسمیت بین‌المللی نیافته‌اند، تعقیب جرایم آبی در دیوان کیفری بسیار محدود است. حتی در صورت رسیدگی به پرونده، پرسش مهم این است که آیا کشورها حاضر به پیگرد شهروندان خود به خاطر جرایم آبی خواهند بود یا خیر؛ که اگر چنین شود، پیام مهمی به جامعه جهانی خواهد فرستاد.

۲-۱- جنایت علیه آب مفهومی مستقل یا استعاره‌ای؟

دو مرجع [United Nations Environment Programme](#) و [INTERPOL \(۲۰۱۹\)](#) جرایم محیط‌زیستی را به‌طور کلی به‌عنوان جرایمی تعریف می‌کنند که «تأثیرات جدی بر محیط‌زیست» دارند. با این حال، این تعریف به‌طور سنتی مستقیماً آب را به‌عنوان یک منبع محیط‌زیستی شامل نمی‌شود و ارزش آن را به نفع مواد کمیاب (مانند «قاچاق عاج»)، شبکه‌های غذایی در معرض خطر («صید غیرمجاز گونه‌های حفاظت شده»)، تجارت‌های غیرقانونی («قطع درختان غیرمجاز») و مسائل عمومی آلودگی («دفع پسماندهای خطرناک») نادیده می‌گیرد.

«جنایت علیه آب» به عنوان یک مفهوم مشخص و مستقل در اسناد بین‌المللی شناخته نشده است، اما آلودگی آب و نقض

قوانین مربوط به حفاظت از منابع آبی می‌تواند تحت مقررات بین‌المللی مختلف و به ویژه در چارچوب جنایات علیه محیط‌زیست یا نقض حقوق بشر قرار گیرد. در سطح بین‌المللی، مقررات مختلفی برای حفاظت از منابع آبی و جلوگیری از آلودگی آن‌ها وجود دارد، که می‌توانند به نوعی مرتبط با مفهوم جنایت علیه آب باشند. این موضوع به طور مستقیم در قانون یا در اسناد بین‌المللی به عنوان «جنایت علیه آب» تعریف نشده‌اند اما این اقدامات ممکن است به دلیل تأثیرات منفی گسترده‌ای که بر محیط‌زیست و منابع آبی دارند، از نظر حقوقی و در عمل به عنوان جنایت در نظر گرفته شوند، حتی اگر در اسناد بین‌المللی به طور صریح تحت عنوان «جنایت علیه آب» نیامده باشند.

در اینجا به حادثه نفتکش Prestige با پرچم باهاما، متعلق به یک شرکت یونانی بایستی اشاره شود که در نوامبر ۲۰۰۲ در سواحل گالیسیا (شمال غرب اسپانیا) دچار سانحه شد، شکاف برداشت و پس از چند روز در دریای آزاد غرق شد. این اتفاق منجر به نشت حدود ۶۳ هزار تن نفت خام به اقیانوس اطلس و آلودگی شدید سواحل اسپانیا، پرتغال و فرانسه شد. دولت اسپانیا علیه شرکت‌های مالک و بیمه‌گر کشتی (شامل شرکت یونانی، و بیمه‌گر مستقر در لندن - I & The London P Club) اقامه دعوی کرد. پرونده‌ها در دادگاه‌های ملی اسپانیا و نیز در برخی مراجع حقوقی بین‌المللی بیمه‌ای (از جمله در لندن) بررسی شدند. علاوه بر این، حادثه نشت سیانید - بایا ماره (۲۰۰۰) مورد دیگر است که به چرنوبیل محیط‌زیستی اروپای شرقی معروف است؛ معدن طلای متعلق به شرکت Aurul S.A. (یک شرکت مشترک رومانیایی-استرالیایی) در نزدیکی شهر بایا ماره در شمال غربی رومانی. شکستن یکی از سدهای باطله‌ی حاوی محلول سیانید که برای استخراج طلا از سنگ معدن استفاده می‌شد. این شکست باعث نشت حدود هزار هزار متر مکعب از فاضلاب آلوده به سیانید و فلزات سنگین شد. به نحوی سیانید وارد رودخانه‌ی Someş و سپس به رودخانه Tisza در مجارستان و در نهایت به رودخانه دانوب رسید. مرگ بیش از ۱۲۰۰ تن ماهی، تخریب گسترده اکوسیستم‌های رودخانه‌ای، مسمومیت منابع آب آشامیدنی و آسیب شدید به صنعت شیلات و کشاورزی در مجارستان و صربستان، گوشه‌ای از اثرات جنایت علیه آب به شمار می‌رود. روشن است که جنایت علیه آب، مفهومی گسترده و چندبعدی است که به هرگونه اقدام عمدی یا غیرعمدی که منجر به تخریب، آلودگی، یا نابودی منابع آبی شود، اشاره دارد. این جنایات شامل اقداماتی مانند تخلیه غیرقانونی فاضلاب صنعتی به رودخانه‌ها، بهره‌برداری غیرمجاز از منابع آب زیرزمینی، استفاده از مواد شیمیایی خطرناک در کشاورزی که منجر به ورود آلاینده‌ها به منابع آبی می‌شود، همچنین بهره‌گیری از منابع آبی به‌عنوان ابزاری در درگیری‌های نظامی می‌باشد. به‌عنوان مثال، در بسیاری از جنگ‌ها، تخریب سدها یا مسموم کردن منابع آبی به‌عنوان یک استراتژی نظامی مورد استفاده قرار گرفته است؛ لذا تعریف جنایت علیه آب، تنها به

اقدامات مستقیم محدود نمی‌شود، بلکه شامل قصور و کوتاهی در مدیریت صحیح منابع آبی نیز می‌شود. به‌عنوان نمونه، ناتوانی در جلوگیری از آلودگی آب‌های سطحی و زیرزمینی توسط نهادهای دولتی یا شرکت‌های بزرگ، می‌تواند مصداقی از جنایت علیه آب تلقی شود. [United Nations \(۲۰۲۰\)](#) تأکید کرده است که آلودگی منابع آبی به دلیل دفع غیراصولی زباله‌های صنعتی و شیمیایی، یکی از بزرگ‌ترین چالش‌های محیط‌زیستی قرن حاضر به‌شمار می‌رود. از منظر حقوق بین‌الملل، جنایات علیه آب باید در دسته‌بندی جرایم محیط‌زیستی قرار گیرد و از حمایت‌های حقوقی مشابه برخوردار شود. معاهدات بین‌المللی مانند کنوانسیون رامسر درباره تالاب‌ها ۱۹۷۱ و پروتکل‌های الحاقی به کنوانسیون ژنو ۱۹۷۷ تلاش کرده‌اند تا بخشی از این جرایم را پوشش دهند، اما خلأهای قابل توجهی همچنان باقی است. به‌طورمثال، در بسیاری از نظام‌های حقوقی ملی و بین‌المللی، بهره‌برداری بیش‌ازحد و ناپایدار از منابع آب، جرم تلقی نمی‌شود و تنها در موارد محدود مانند آلودگی شیمیایی مستقیم، قابل پیگرد قانونی است.

بااین‌حال، ضرورت تعریف دقیق جنایت علیه آب از منظر حقوق بین‌الملل، علاوه بر حفاظت از این منابع حیاتی، به تضمین امنیت غذایی، کاهش تنش‌های بین‌المللی بر سر منابع آبی مشترک، و پیشگیری از فجایع انسانی و محیط‌زیستی کمک می‌کند. در ادامه مقاله، به بررسی نمونه‌های عملی این جنایات و پیامدهای آن‌ها پرداخته خواهد شد.

۲-۲- رویه قضائی بین‌المللی و پرونده‌های مرتبط

در خصوص جنایت علیه آب و آلودگی منابع آبی، رویه قضائی بین‌المللی به طور مستقیم تحت عنوان «جنایت علیه آب» تعریف نشده است، اما موارد بسیاری وجود دارد که در آن‌ها آلودگی آب و تخریب منابع آبی تحت عنوان آلودگی محیط‌زیست یا نقض حقوق بین‌المللی مورد رسیدگی قرار گرفته است.

۲-۲-۱- رویه قضائی بین‌المللی

ذیل این قسمت به چهار مورد از مهمترین رویه‌های بین‌المللی اشاره می‌شود:

الف) آلودگی رود نیل در مصر:

در پرونده *Dispute Regarding Navigational and Related Rights (Egypt v. Sudan)* دیوان بین‌المللی دادگستری در سال ۱۹۵۷ و سپس در پرونده‌های مرتبط، اختلاف میان مصر و سودان بر سر حقوق استفاده از آب رود نیل مطرح بود. مصر متهم بود به تخلیه فاضلاب‌های صنعتی و کشاورزی به رود نیل که سلامت محیط‌زیستی رودخانه و حق بهره‌برداری سودان از این منابع را تحت تأثیر قرار داده است. دیوان بررسی کرد که آیا مصر با تخلیه آلاینده‌ها

تعهدات خود در چارچوب حقوق بین‌الملل محیط‌زیست و استفاده عادلانه و معقول از منابع آبی مشترک را نقض کرده است یا خیر. دیوان تأکید کرد که هر دولتی مسئول حفظ کیفیت منابع آب مشترک است و تخلف از این موضوع می‌تواند مسئولیت بین‌المللی به دنبال داشته باشد.

ب) پرونده دریاچه چاد:

دیوان بین‌المللی دادگستری در دهه ۱۹۷۰ بین طرفین دعوا: جمهوری چاد، جمهوری کامرون، جمهوری نیجر و جمهوری نیجریه (کشورهای ساحلی دریاچه چاد)، قضاوت نمود؛ در حالی که اختلاف بر سر برداشت بیش از حد منابع آب دریاچه چاد و آلودگی ناشی از فعالیت‌های انسانی بود که به تخریب شدید اکوسیستم دریاچه و کاهش سطح آب آن منجر شده بود. کشورهای ساحلی متهم به نقض تعهدات حقوقی در حفاظت و استفاده معقول از منابع آبی مشترک شدند. دیوان در این پرونده به ارزیابی مسئولیت کشورهای بهره‌بردار پرداخت که آیا برداشت بی‌رویه و آلودگی منابع آبی منجر به نقض اصول حقوق بین‌الملل محیط‌زیست و تعهدات حفاظت از منابع مشترک شده است یا خیر. دیوان با استناد به اصول استفاده عادلانه و معقول^{۱۳} و تعهد به جلوگیری از آسیب متقابل^{۱۴} تأکید کرد که کشورها باید ضمن مدیریت پایدار، از آلودگی و تخریب غیرقابل جبران منابع آبی مشترک جلوگیری کنند. همچنین دیوان بر لزوم همکاری میان کشورها در پایش کیفیت آب و اجرای اقدامات حفاظتی تأکید نمود.

این پرونده یکی از نخستین نمونه‌های قضایی است که به طور مشخص به مسئولیت بین‌المللی کشورها در قبال آلودگی و برداشت ناپایدار منابع آب مشترک پرداخته است و مبنای توسعه حقوق بین‌الملل محیط‌زیست در زمینه منابع آبی محسوب می‌شود.

ج) آلودگی رودخانه گنگ در هند:

در پرونده *M.C. Mehta v. Union of India* (Writ Petition (Civil) No. 13029/1985)، دادگاه عالی هند به موضوع آلودگی شدید رودخانه گنگ ورود کرد. درخواست اصلی شکایت علیه دولت هند بود به دلیل عدم انجام وظایف قانونی و اجرایی برای جلوگیری از تخلیه فاضلاب‌های صنعتی و انسانی به رودخانه گنگ که باعث آلودگی شدید و تهدید سلامت میلیون‌ها نفر شده بود. دادگاه حکم داد که دولت ملزم به اجرای اقدامات فوری جهت کنترل و کاهش آلودگی رودخانه است، از جمله الزام صنایع به تصفیه فاضلاب و توسعه زیرساخت‌های تصفیه فاضلاب شهری. این پرونده به عنوان نمونه‌ای برجسته در کاربرد اصل «حق به محیط‌زیست سالم» و مسئولیت دولت در حفاظت از منابع آب قلمداد می‌شود.

د) پرونده نیکاراگوئه علیه کاستاریکا:

پرونده *Dispute Regarding Navigational and Related Rights (Nicaragua v. Costa Rica)*، دیوان بین‌المللی دادگستری در سال ۲۰۱۸ در قبال ادعای نیکاراگوئه مبنی بر اینکه کاستاریکا با انجام پروژه‌های عمرانی، از جمله ساخت

کنوانسیون نیویورک در تعیین چارچوب حقوقی اینگونه اختلافات می‌باشد.

۲-۳- رویه قضایی بر طبق کنوانسیون مارپل

در سطح جهانی، کنوانسیون مارپل که به آلودگی دریاهای کشتی‌ها پرداخته است، به عنوان یک معاهده بین‌المللی مهم در جلوگیری از آلودگی آب‌های دریایی عمل می‌کند. موارد متعددی در دادگاه‌های بین‌المللی و محاکم ملی مطرح شده‌اند که در آن‌ها کشتی‌ها به دلیل آلودگی عمدی یا غیرعمدی دریاهای تحت پیگرد قانونی قرار گرفته‌اند. در پرونده Prestige Oil Spill (Spain v. France)، مسئولیت‌های ناشی از نقض کنوانسیون مذکور مورد بررسی قرار گرفته است؛ این موارد می‌توانند به عنوان بخشی از جنایات محیط‌زیستی در نظر گرفته شوند:

پرونده اول، مربوط به حادثه آلودگی نفتی کشتی نفت‌کشی است که در نوامبر ۲۰۰۲ در سواحل اسپانیا دچار سانحه شد و مقدار قابل توجهی نفت خام به دریا ریخت. نفت‌کش که از سوی فرانسه نیز تحت پوشش و نظارت قرار داشت، باعث آلودگی گسترده سواحل اسپانیا، فرانسه و پرتغال شد. اسپانیا ادعا داشت که فرانسه به تعهدات بین‌المللی خود برای پیشگیری از آلودگی و کاهش خسارات محیط‌زیستی عمل نکرده است. موضوع اصلی دعوا بررسی مسئولیت کشورهای مربوطه در جلوگیری از آلودگی دریایی و جبران خسارات ناشی از نشت نفت بود. اسپانیا مدعی بود که فرانسه در مدیریت و کنترل نفت‌کش و همکاری در مقابله با فاجعه کوتاهی کرده است. همچنین، اختلافاتی درباره اقدامات لازم جهت مقابله با آلودگی و هماهنگی‌های منطقه‌ای پیش آمد. این پرونده به بررسی تعهدات بین‌المللی کشورها بر اساس کنوانسیون‌های مربوط به آلودگی نفتی، از جمله کنوانسیون‌های ۱۹۹۲ و ۱۹۷۳ ایمو پرداخت. محاکم بین‌المللی در این پرونده بر مسئولیت مشترک کشورهای ساحلی و پرچم‌دار کشتی در پیشگیری و مقابله با آلودگی دریایی تأکید کردند و ضرورت هماهنگی‌های بین‌المللی برای کاهش اثرات محیط‌زیستی و جبران خسارات را یادآور شدند. پرونده Prestige Oil Spill یکی از نمونه‌های برجسته در حقوق محیط زیست دریایی است که اهمیت رعایت تعهدات بین‌المللی و مدیریت بحران در محیط‌های دریایی را نشان می‌دهد. در واقع، پرونده بیشتر به عنوان یک حادثه محیط‌زیستی بزرگ و موضوع بررسی‌های فنی، مدیریتی و حقوقی در سطح بین‌المللی مطرح شد، اما برخلاف برخی پرونده‌های مطرح در دیوان بین‌المللی دادگستری یا محاکم بین‌المللی دیگر، دعوای رسمی مشخص و مستقلى بین کشورهای اسپانیا و فرانسه یا دیگر کشورهای آسیب‌دیده در محاکم بین‌المللی به صورت گسترده مطرح و منجر به صدور حکم قطعی نشده است.

در مقابل، رسیدگی‌ها بیشتر در سطح ملی (اسپانیا به طور خاص) و از طریق سیستم‌های جبران خسارت و مسئولیت مدنی مرتبط با کنوانسیون‌های دریایی مانند: کنوانسیون

کانال‌ها و اصلاح بستر رودخانه‌های مرزی، منجر به آلودگی، تغییر مسیر و تخریب اکوسیستم‌های آبی مشترک شده است و این اقدامات خسارات محیط‌زیستی و کاهش کیفیت منابع آب مشترک را به دنبال داشته رسیدگی نمود. دیوان در بررسی مریت دعوا، به مسئولیت بین‌المللی کاستاریکا در نقض تعهدات حقوقی در حوزه حفاظت محیط‌زیست منابع آبی پرداخت. دیوان با استناد به اصول عمومی حقوق بین‌الملل محیط‌زیست، از جمله اصل جلوگیری از آسیب متقابل و اصل همکاری بین‌الملل^{۱۵} حکم داد که کاستاریکا باید اقدامات مخرب را متوقف کرده و خسارات وارده را جبران نماید.

این پرونده تأکید مهمی بر مسئولیت پیشگیرانه دولت‌ها در مدیریت منابع آبی مشترک و تعهد به همکاری و اطلاع‌رسانی پیش از انجام پروژه‌های تأثیرگذار بر محیط‌زیست دارد. همچنین، رأی دیوان نشان‌دهنده توسعه گسترده‌تر حقوق بین‌الملل محیط‌زیست در زمینه مسئولیت‌های محیط‌زیستی دولتی است.

این پرونده‌ها نشان‌دهنده ضرورت وجود تعهدات قانونی قوی در سطح بین‌المللی و ملی برای حفاظت از منابع آب هستند و اثبات می‌کنند که آلودگی گسترده و تخریب منابع آبی می‌تواند مصداق جنایت علیه محیط‌زیست و حقوق بشر باشد^{۱۶}.

۲-۲- رویه داوری بین‌المللی

در این زمینه نیز می‌توان به پرونده رودخانه‌های مرزی دانوب (Romania v. Ukraine) در رویه داوری بین‌المللی، تحت کنوانسیون حقوق استفاده از منابع آبی برای مقاصد غیرنقل و انتقالی ۲۰۰۹ اشاره نمود.

اختلاف میان رومانی و اوکراین حول بهره‌برداری و حفاظت از منابع آبی رودخانه دانوب بود؛ به ویژه موضوعاتی همچون برداشت ناپایدار آب و آلودگی رودخانه در مناطق مرزی مشترک. رومانی مدعی بود که فعالیت‌های صنعتی و کشاورزی اوکراین منجر به آلودگی شدید آب‌های دانوب و نقض تعهدات بین‌المللی اوکراین در حفاظت از این منبع آبی مشترک شده است. دیوان داوری به بررسی این پرداخت که آیا اوکراین با اقدامات خود، از جمله تخلیه فاضلاب‌های صنعتی بدون تصفیه و برداشت بی‌رویه آب، تعهدات خود تحت کنوانسیون حقوق استفاده از منابع آبی برای مقاصد غیرنقل و انتقالی ۱۹۹۷ را نقض کرده است یا خیر. داوران ضمن استناد به اصول همکاری، عدم آسیب متقابل و استفاده عادلانه و معقول، حکم کردند که اوکراین مسئول حفظ کیفیت آب و جلوگیری از آلودگی است و باید اقدامات اصلاحی و جبران خسارت را انجام دهد.

این پرونده نمونه‌ای شاخص از رویه داوری بین‌المللی در حل اختلافات منابع آب مشترک و تأکید بر مسئولیت بین‌المللی کشورها در حفظ محیط‌زیست آب‌های مشترک و مدیریت پایدار منابع آبی است. همچنین، پرونده یادآور نقش کلیدی

مسئولیت در برابر آلودگی نفتی، کنوانسیون مقابله با آلودگی ناشی از نفت، کنوانسیون بین‌المللی مبارزه با آلودگی نفتی، کنوانسیون باران دریایی و همچنین اقدامات اجرایی برای جبران خسارات و مدیریت بحران محیط‌زیستی صورت گرفت. پس از سانحه نفت‌کش پریستز، پرونده‌های حقوقی علیه شرکت مالک کشتی شرکت Mare Shipping Inc و شرکت‌های بیمه نفت‌کش برای پرداخت خسارات وارده باز شد. با این حال، بسیاری از پرونده‌ها در سطح دادگاه‌های داخلی اسپانیا باقی ماندند و اختلافات عمدتاً در قالب دعاوی مدنی برای جبران خسارت مطرح شد.

پرونده دیگری که باید در ارتباط با مارپل بدان اشاره کرد پرونده M/V Norstar پاناما v. ایتالیا است که یکی از مهمترین آرای صادره توسط دادگاه بین‌المللی حقوق دریا (ITLOS) در سال‌های اخیر است، در این پرونده، دادگاه بین‌المللی حقوق دریا (ITLOS) در سال ۲۰۱۹ حکم داد که ایتالیا با توقیف کشتی پانامایی M/V Norstar در آب‌های آزاد، آزادی کشتیرانی را نقض کرده است. این پرونده به‌طور غیرمستقیم به نقض تعهدات ناشی از کنوانسیون MARPOL در زمینه حفاظت از محیط‌زیست دریایی اشاره دارد.

در این پرونده، کشور پاناما به نمایندگی از کشتی با پرچم خود (M/V Norstar) در برابر ایتالیا اقامه دعوا کرد. کشتی M/V Norstar، یک تانکر بود که در اواخر دهه ۹۰ میلادی، در فعالیت‌های "bunkering" (عرضه سوخت به کشتی‌ها در دریا) در نزدیکی آب‌های سرزمینی ایتالیا مشارکت داشت. ایتالیا این فعالیت را ناقض قوانین خود در زمینه مالیات بر سوخت و احتمالاً قوانین محیط‌زیستی دانست و در سال ۲۰۰۱، دستور توقیف کشتی را صادر کرد. کشتی نهایتاً در آب‌های آزاد، اما تحت همکاری فرانسه در بندر سپاین (فرانسه) توقیف شد.

اگرچه محیط‌زیست محور مستقیم این دعوی نبود، اما پرونده Norstar به‌طور غیرمستقیم به چالش‌های اجرای کنوانسیون MARPOL (کنوانسیون بین‌المللی جلوگیری از آلودگی کشتی‌ها) نیز مربوط می‌شود: فعالیت‌های "bunkering" (سوخت‌رسانی در دریا)، اگر بدون نظارت مناسب انجام شود، می‌تواند منجر به آلودگی دریا شود. پرونده M/V Norstar نشان داد: آزادی کشتیرانی در حقوق دریاهای هرگونه نگرانی محیط‌زیستی اولویت دارد؛ حتی اگر کشتی‌ای تهدیدی برای سلامت دریاهای باشد، صلاحیت کشورها برای مداخله شدیداً محدود است؛ مفهوم «آب» به‌عنوان قربانی یا موضوع حفاظت کیفری هنوز جایگاه مستقلی در آرای بین‌المللی ندارد؛ بنابراین این پرونده در نهایت روشن می‌کند که بدون اصلاح رژیم حقوقی بین‌الملل دریاهای و ارتقاء جایگاه «آب» در نظام کیفری جهانی، مسیر جنایت علیه آب همچنان باز باقی می‌ماند.

۲-۲-۴- پرونده‌های تحت قانون پیشگیری از آلودگی توسط کشتی‌ها در ایالات متحده^{۱۷}

در ایالات متحده، چندین پرونده مهم تحت قانون پیشگیری از آلودگی توسط کشتی‌ها مطرح شده است که در آن‌ها کشتی‌ها به دلیل تخلفات مرتبط با کنوانسیون مارپل مورد پیگرد قرار گرفته‌اند. برخی از این پرونده‌ها عبارتند از:

۲-۲-۴-۱- پرونده مرتبط با استفاده از لوله جادویی

پرونده‌های مرتبط با استفاده از "لوله جادویی Magic Pipe" نمونه‌های مشخصی از جنایت علیه محیط‌زیست آبی هستند که در آن‌ها کشتی‌ها با تغییر غیرقانونی دستگاه‌های تصفیه فاضلاب اقدام به تخلیه مستقیم آب‌های آلوده به دریا می‌کنند، بدون اینکه عملیات تصفیه ثبت شود. این اقدامات به‌طور جدی به اکوسیستم دریایی آسیب می‌زنند و نمونه‌ای عینی از سوء استفاده محیط‌زیستی قابل پیگیری کیفری هستند.

مهمترین موارد "Princess Cruise Lines" - تانکر Caribbean Princess در سال ۲۰۱۳، مهندس این کشتی افشا کرد که از magic pipe استفاده شده برای تخلیه مستقیم فاضلاب روغنی در دریای انگلستان بدون گذر از تصفیه‌خانه یا ثبت صحیح آن؛ در نتیجه، شرکت وابسته به Carnival Corp. پذیرفت و بالغ بر ۴۰ میلیون دلار جریمه پرداخت و تحت برنامه نظارتی قضایی قرار گرفت.

مورد دیگر Diana Shipping Services- تانکر M-V Thetis است؛ در هفته اول اوت ۲۰۱۳، مهندسان ارشد M/V Thetis با استفاده از لوله جادویی اقدام به تخلیه فاضلاب روغنی در آب‌های ایالات متحده کردند؛ پس از کشف توسط گارد ساحلی آمریکا، هر دو مهندس و شرکت به اتهام توطئه، جعل سوابق و اخلاف در تحقیق محکوم شدند.

مورد سوم، شرکت آلمانی MST Mineralien Schifffahrt - تانکر M-V Marguerita است. این شرکت در ماجرای مشابه، اعتراف کرد که پی‌درپی از magic pipe استفاده کرده تا فاضلاب روغنی را بدون ثبت در دفتر سوابق کشتی خارج کند. در نتیجه، مبلغ ۳/۲ میلیون دلار جریمه و دوره تعلیق قضایی برای پیروی از قانون در نظر گرفته شد.

در این نوع پرونده‌ها، کشتی‌ها از لوله‌های غیرقانونی برای دور زدن سیستم‌های تصفیه آب روغنی OWS استفاده کرده و روغن آلوده را مستقیماً به دریا تخلیه می‌کنند. این تخلفات معمولاً با گزارش‌های کارکنان کشتی^{۱۸} آشکار می‌شوند. در ایالات متحده، این نوع تخلفات تحت قانون جلوگیری از آلودگی ناشی از کشتی‌ها پیگیری می‌شود و جریمه‌های سنگینی برای شرکت‌های کشتیرانی و کارکنان متخلف در نظر گرفته می‌شود. بندهای مارپل به خودی خود تعریف یا تعیین‌کننده جنایت علیه منابع آبی نیستند؛ اما نقض عمدی یا شدید مقررات آن می‌تواند در چارچوب قوانین کیفری داخلی کشورهای عضو، تحت عنوان جرم کیفری یا جنایت محیط‌زیستی پیگرد شود.

۲-۴-۲-۲- پرونده مربوط به تخلیه غیرقانونی روغن در دریا

در مواردی، کشتی‌ها بدون استفاده از سیستم‌های تصفیه، روغن آلوده را به دریا تخلیه کرده‌اند.

به‌عنوان مثال، در پرونده‌ای در سال ۲۰۰۶، شرکت کشتیرانی «Irika Maritime S.A.» به دلیل تخلیه غیرقانونی روغن آلوده و نگهداری نادرست سوابق مربوطه، به پرداخت جریمه و اجرای برنامه‌های اصلاحی محکوم شد. در تاریخ ۵-۶ اکتبر ۲۰۰۶، مأموران گارد ساحلی آمریکا در بندر ونکوور، واشنگتن، کشتی M/V Irika را بازرسی کردند و متوجه عدم تطابق در دفتر ثبت تخلیه روغن شدند. پس از آن، یک مهندس دوم کشتی با افشای عکس‌هایی از یک لوله انعطاف‌پذیر نصب شده برای دور زدن دستگاه تصفیه و تخلیه مستقیم فاضلاب روغنی به دریای آزاد کمک کرد تا بازرسی دوم صورت گیرد و شواهد ضبط شود. شرکت Irika Maritime S.A. در ژانویه ۲۰۰۷ به جرم عدم نگهداری دقیق دفتر ثبت روغن به جرم اعتراف کرد. محکوم به پرداخت ۵۰۰,۰۰۰ دلار جریمه و ۲۵۰,۰۰۰ دلار دادخواست اجتماعی به پروژه‌های صیانت از محیط‌زیست دریایی شد و تحت چهار سال نظارت قضایی قرار گرفت. در پی افشای بیشتر تخلفات از طریق M/V Iorana در سال ۲۰۱۰، شرکت، اعتراف به ارتکاب تخلفات مشابه و تخلیه حدود ۲۳ متر مکعب فاضلاب روغنی از طریق «لوله جادویی» را نمود. در ژوئیه ۲۰۱۰، شرکتی که تحت مدیریت Irika Shipping فعال بود، به دلیل تخلفاتی شامل جعل مدارک و ممانعت از تحقیق به پرداخت مجموعاً ۴ میلیون دلار محکوم شد، شامل ۳ میلیون دلار جریمه کیفری، ۱ میلیون دلار خدمات اجتماعی و پنج سال نظارت فعال قضایی.

پرونده دیگر در این رابطه، Princess Cruise Lines (M/V Caribbean Princess) می‌باشد. مهندس کشتی Caribbean Princess نخستین کسی بود که وجود «لوله جادویی» و تخلیه هزاران گالن فاضلاب روغنی را در نزدیکی سواحل بریتانیا افشا کرد. این تخلفات از سال ۲۰۰۵ تا محکومیت شرکت در ۲۰۱۷ ادامه داشت. در نهایت دادگاه جنایی میامی، شرکت زیرمجموعه Carnival Corp را به ۷ اتهام کیفری محکوم کرد که خود بزرگ‌ترین جریمه تاریخ تخلفات دریایی ۴۰ میلیون دلار، برای نقض قانون APPS صادر شد. این پرونده نمونه‌ای شفاف از جنایت علیه آب است، زیرا آسیب محیط‌زیستی فوری وجود داشت (۴۲۲۷ گالن فاضلاب روغنی، تخلیه در دریا)؛ نیت عمدی و ساختاری تشخیص داده شد (پنهان‌کاری، جعل اسناد، استفاده از لوله جادویی)؛ و پیامدهای جدی نیز مانند اعمال قانون کیفری، نظارت طولانی‌مدت، ارتقای تجهیزات حفاظتی و پاداش به افشاگران بر موضوع مترتب بود. پرونده Caribbean Princess نشان داد جرائم آبی به‌ویژه تخلیه فاضلاب روغنی، دیگر تخلفات فنی نیستند؛ بلکه جنایاتی جدی علیه منابع آبی به‌شمار می‌آیند؛ ضمن اینکه حمایت از افشاگران و اقدامات نظارتی خارجی، کلید شناسایی و پیگرد این جرایم است.

۲-۴-۲-۳- پرونده مربوط به تخلیه غیرقانونی فاضلاب کشتی‌ها

برخی کشتی‌ها به‌طور غیرقانونی فاضلاب خود را بدون تصفیه به دریا تخلیه کرده‌اند. در یکی از این پرونده‌ها، شرکت کشتیرانی «MK Ship Management» به دلیل تخلیه غیرقانونی فاضلاب و تقلب در سوابق مربوطه، به پرداخت جریمه و اجرای برنامه‌های اصلاحی محکوم شد.

متهم شرکت مدیریت کشتی MK Ship Management Co., Ltd. (مستقر در کره جنوبی) در آب‌های ساحلی ایالات متحده با ارائهی دفتر ثبت جعلی تخلیه‌ها به بازرسان؛ فشار بر کارکنان برای پنهان‌کاری، به این اقدام دست زد. محکومیت به پرداخت ۱.۵ میلیون دلار جریمه؛ الزام به اجرای برنامه نظارت محیط‌زیستی چندساله تحت نظر دادگاه؛ تعهد به آموزش مجدد خدمه و به‌روزرسانی تجهیزات تصفیه از جمله محکومیت‌های آن بود. پرونده MK مثالی کلاسیک از تخلف محیط‌زیستی ساختاریافته است که فراتر از یک حادثه فنی، به‌نوعی رفتار مجرمانه‌ی سیستماتیک علیه محیط آبی تعبیر می‌شود؛ عنصر نیت مجرمانه (mens rea)؛ و دستکاری اسناد نشان‌دهنده عمدی بودن تخلف است. تخلیه فاضلاب تصفیه نشده، به‌ویژه در مناطق حساس دریایی یا نزدیک سواحل، باعث آلودگی شدید اکوسیستم دریایی می‌شود. این‌گونه تخلفات معمولاً در مناطقی با نظارت ضعیف‌تر انجام می‌شوند و می‌توانند عدالت بین‌نسلی را تهدید کنند. فشار به کارکنان برای سکوت و جعل مدارک، جنبه ساختاری جرم را تقویت می‌کند. پرونده MK Ship Management نشان می‌دهد تخلیه غیرقانونی فاضلاب به هیچ وجه نباید یک تخلف فنی تلقی شود، بلکه مصادیقی از جنایت علیه آب است؛ پیگردهای کیفری، همراه با نظارت طولانی‌مدت و اصلاحات فنی، مؤثرترین ابزار مقابله با این پدیده‌اند؛ چنین جرایمی باید به‌عنوان نمونه‌های بالقوه برای گنجاندن در طبقه‌بندی‌های نوظهور جرایم بین‌المللی محیط‌زیستی مورد بررسی قرار گیرند.

۲-۴-۲-۴- پرونده United States v. Calypso Maritime Corporation (2007)

این پرونده مربوط به تخلف کشتی M/V Tina M از قوانین حفاظت محیط‌زیست دریایی، به‌خصوص قوانین جلوگیری از آلودگی نفتی است. این کشتی متهم شد که از سیستم‌های **بای‌پس** (Bypass systems) استفاده کرده است تا آب‌های روغنی را به صورت غیرمجاز به دریا تخلیه کند، همچنین سوابق و گزارش‌های ثبت شده را جعلی و دستکاری شده ارائه داده است. تخلیه غیرمجاز آب‌های روغنی به دریا نقض مستقیم ضوابط کنوانسیون مارپل ضمیمه I است (Kohn و Colapinto, ۲۰۱۹) که تخلیه چنین آب‌هایی بدون تصفیه و رعایت حد مجاز را ممنوع می‌کند (United States, ۱۹۷۲). دستکاری و جعل سوابق، از آنجا که بر اساس قوانین نظارتی و بازرسی بین‌المللی برای اطمینان از پایبندی به مقررات مارپل

و قوانین داخلی ایالات متحده الزامی است، جرم محسوب می‌شود. دادگاه فدرال ایالات متحده شرکت کالیپسو ماریتایم را به دلیل نقض قوانین حفاظت محیط‌زیست دریایی و تقلب در گزارش‌ها به پرداخت جریمه‌ای سنگین به مبلغ حدود یک میلیون دلار محکوم کرد (United States District Court, Southern District of New York, ۲۰۰۷).

اینجا برخلاف کنوانسیون مارپل که صرفاً مقررات رگولاتوری دارد، قوانین داخلی ایالات متحده، مانند [United States \(۱۹۷۲\)](#) تخلفات عمدی و غیرمجاز را به عنوان جرم کیفری تعریف و مجازات می‌کنند. بنابراین، این پرونده مثال خوبی است که نشان می‌دهد چطور قوانین داخلی و بین‌المللی می‌توانند در قالب یک پرونده جنایی محیط‌زیستی مرتبط با آلودگی آب‌ها اجرا شوند.

۲-۴-۵- پرونده [United States v. Overseas Shipholding Group, Inc., U.S. District Court: 2006 \(United States, ۲۰۰۶\)](#)

در یکی از برجسته‌ترین پرونده‌های مرتبط با آلودگی دریایی، دادگاه فدرال ایالات متحده در سال ۲۰۰۶ به اتهامات کیفری علیه شرکت کشتیرانی بین‌المللی [Overseas Shipholding Group, Inc.](#) رسیدگی کرد. این شرکت متهم به تخلیه عمدی و غیرمجاز لجن‌های نفتی و پسماندهای روغنی از کشتی‌های تحت مالکیت خود به آب‌های بین‌المللی، استفاده از تجهیزات غیرقانونی [bypass systems](#) برای دور زدن سیستم‌های مجاز تصفیه، همچنین جعل و دستکاری سوابق ثبت شده در دفتر عملیات نفتی کشتی بود. رسیدگی به این پرونده بر اساس قانون داخلی ایالات متحده موسوم به [APPS -2020](#) صورت گرفت ([United States, ۱۹۸۰](#)) که اجرای الزامات مندرج در کنوانسیون بین‌المللی [MARPOL 73/78](#) را تضمین می‌کند ([United States, ۲۰۰۷](#)). دادگاه در رأی نهایی، شرکت را در ۳۳ فقره اتهام جنایی از جمله نقض تعدی مقررات بین‌المللی، جعل اسناد و تخریب محیط‌زیست دریایی مجرم شناخت و به پرداخت ۳۷ میلیون دلار جریمه نقدی محکوم کرد ([U.S. Department of Justice, ۲۰۰۶](#)). این مبلغ شامل جریمه‌های کیفری، هزینه‌های پاک‌سازی و بازسازی محیط‌زیست و نیز تعهدات نظارتی آینده بود ([United States, ۱۹۸۰](#)).

این پرونده از چند جهت اهمیت دارد: نخست، نشان می‌دهد چگونه نقض کنوانسیون‌های محیط‌زیستی بین‌المللی می‌تواند از طریق قوانین داخلی به عنوان یک جرم کیفری مورد تعقیب قرار گیرد. دوم، تکرار، سازمان‌یافتگی، و عمدی بودن تخلفات، همراه با پنهان‌سازی و جعل مدارک رسمی، مصادیق کامل جنایت علیه منابع آبی را شکل می‌دهند. هرچند اصطلاح «جنایت علیه آب» به صورت اصطلاح فنی در متون بین‌المللی به ندرت به کار رفته، اما ساختار رفتاری و آثار ناشی از این

تخلفات، به‌ویژه در آلودگی جبران‌ناپذیر اکوسیستم‌های دریایی، به وضوح در چارچوب این مفهوم قرار می‌گیرد.

۲-۴-۶- پرونده [United States v. Hoegh Fleet Services \(2003\)](#)

در این پرونده، ایالات متحده آمریکا علیه شرکت نروژی [Hoegh Fleet Services AS](#)، مالک کشتی تجاری، اقامه دعوا کرد. موضوع شکایت مربوط به تخلیه غیرمجاز آب‌های روغنی^{۱۹} به دریا با استفاده از سیستم‌های غیرقانونی بای‌پس و همچنین عدم ثبت دقیق این تخلیه‌ها در دفتر ثبت نفتی^{۲۰} بود. نکته برجسته در این پرونده، افشای تخلف توسط دو خدمه کشتی بود که اطلاعات تخلیه غیرقانونی را به مقامات ایالات متحده گزارش کردند. آنان مطابق با قوانین حمایت از افشاگران^{۲۱} در ایالات متحده، به عنوان پاداش، مبالغی به صورت رسمی دریافت نمودند ([United States, 1972](#)).

در نتیجه این شکایت شرکت [Hoegh Fleet Services](#) به پرداخت ۳/۵ میلیون دلار جریمه نقدی محکوم شد. همچنین به مدت سه سال تحت نظارت و بازرسی محیط‌زیستی قرار گرفت. دو خدمه کشتی که اقدام به گزارش تخلف کرده بودند، هر یک پاداشی به مبلغ ۴۳۷,۵۰۰ دلار دریافت کردند. این پرونده از ابعاد مختلف اهمیت دارد؛ ضمن اینکه نشان می‌دهد که اجرای مؤثر کنوانسیون‌های بین‌المللی مانند مارپل در گرو اجرای قاطع آن در سطح ملی و با ابزارهای کیفری و حمایتی است. پرونده [Hoegh](#) همچنین اهمیت مسئولیت شرکت‌های مادر^{۲۲} را در قبال اقدامات کشتی‌های تحت پرچمشان روشن می‌سازد (U.S. Department of Justice, Press Release: 2003).

هرچند اصطلاح «جنایت علیه آب» هنوز وارد ادبیات رسمی حقوق کیفری بین‌المللی نشده، این پرونده در عمل نشان می‌دهد که رفتارهایی چون تخلیه عامدانه، سیستماتیک و پنهانی آلاینده‌های نفتی به دریا، با انگیزه سود و با تبانی ساختاری، می‌تواند در قالب جرم سازمان‌یافته محیط‌زیستی با آثار مستقیم بر منابع آبی تحلیل شود. اگرچه حقوق بین‌الملل کیفری هنوز چنین جرایمی را ذیل مفاهیم کلاسیک مانند جنایت علیه بشریت یا جنایت جنگی قرار نمی‌دهد، پرونده [Hoegh](#) یک نمونه عینی از نیاز به جرم‌انگاری جهانی آلودگی سیستماتیک منابع آبی است ([United States District Court, Southern District of Florida, ۲۰۰۳](#)).

در هر سه مورد، با وجود آنکه اصطلاح «جنایت علیه آب» هنوز وارد نظام حقوق کیفری بین‌المللی نشده، اما محتوای اعمال ارتكابی شامل تخلیه عامدانه، مخفیانه و مستمر آلاینده‌های خطرناک به منابع آبی به وضوح در راستای ایجاد آسیب جدی، جبران‌ناپذیر و فراملی به محیط آبی هستند. از این رو، می‌توان چنین مواردی را در ادبیات علمی و سیاست‌گذاری، به عنوان نمونه‌های مقدماتی از جنایت علیه آب درک و دسته‌بندی کرد.

۳- جرم‌انگاری تخریب منابع آبی

جنایت علیه آب به‌عنوان یکی از جلوه‌های نوظهور و مخرب جنایات محیط‌زیستی، هنوز در چارچوب حقوق بین‌الملل به‌طور جامع تعریف و جرم‌انگاری نشده است. ضرورت جرم‌انگاری جنایت علیه آب در حقوق بین‌الملل امروز، پاسخی به تهدیدهای فزاینده‌ای است که منابع آبی با آن‌ها مواجه هستند؛ از تخریب عمدی زیست‌بوم‌های آبی گرفته تا مسموم‌سازی رودخانه‌ها و دریاچه‌ها در درگیری‌های مسلحانه. تخریب عامدانه منابع آبی باید به‌عنوان جنایت علیه بشریت یا حتی اکوساید مورد جرم‌انگاری قرار گیرد. در سال‌های اخیر، مفهوم اکوساید یا «جنایت علیه محیط‌زیست»^{۲۳} در حال تبدیل‌شدن به یکی از شاخه‌های پیشنهادی جنایات بین‌المللی است. «جنایت علیه آب» می‌تواند به‌عنوان زیرشاخه‌ای مستقل یا ویژه از اکوساید جرم‌انگاری شود.

جامعه بین‌المللی باید ناکارآمدی قوانین و توافق‌نامه‌های ملی و بین‌المللی فعلی در حفاظت از منابع آب شیرین را به رسمیت بشناسد؛ منابعی که شاید مهمترین بخش از سیستم زمین بوده و هم محیط‌زیست را زنده نگه می‌دارند و هم پایه بقای بشریت محسوب می‌شوند. ضروری است چارچوبی مناسب‌تر برای تعیین مسئولیت کیفری در مواردی که فشار بر منابع آبی به‌طور عمدی ایجاد، تشدید یا سوءاستفاده می‌شود، فراهم شود. این چارچوب باید تحلیل جامعی از تأثیرات قابل پیش‌بینی و غیرقابل پیش‌بینی تغییرات اقلیمی بر جریان آب‌های سطحی و زیرزمینی، چه در مخازن طبیعی و چه مصنوعی، ارائه دهد؛ جریانی که زندگی میلیون‌ها نفر به آن وابسته است. بنابراین، پیشنهاد می‌شود «جرایم آبی بین‌المللی» به عنوان یک جرم مستقل در قوانین بین‌المللی به رسمیت شناخته شوند تا امکان پیگیری عدالت برای قربانیان فراهم آمده و این منابع حیاتی برای نسل‌های آینده حفظ شود. این جرایم، شامل اقداماتی است که به‌طور عمدی فشار بر منابع آب شیرین وارد کرده و به انسان‌ها یا اکوسیستم‌ها آسیب می‌زند. بررسی‌های انجام شده نشان می‌دهد قوانین و توافق‌نامه‌های کنونی به تنهایی قادر به حفاظت کافی از منابع طبیعی آب شیرین و پیشگیری از جرایم آبی نیستند، به‌ویژه در شرایطی که تغییرات اقلیمی ناشی از فعالیت‌های انسانی شدت یافته‌اند. اگر منابع آب شیرین و حتی تمدن انسانی در برابر این تغییرات حفظ شود، ضروری است که توافقات فراملی، تعریف و حمایت از پیگرد کیفری جرایم آبی را در دستور کار قرار دهند. اتکا به استانداردهای سنتی مانند «تقسیم عادلانه» دیگر پاسخگو نیست، خصوصاً زمانی که منابع آبی خود بر اثر تغییرات اقلیمی جابجا شده و مرزهای سیاسی قدیمی کارآمدی خود را از دست داده‌اند.

۱-۳- ضرورت جرم‌انگاری

بحران آب، به‌عنوان یکی از چالش‌های اساسی و فزاینده‌ی قرن حاضر، سیاست‌گذاران جهانی و مسئولان محیط‌زیستی

را در بسیاری از کشورها با دغدغه‌های نوینی مواجه ساخته است. جرایمی که منابع آبی را هدف قرار می‌دهند، چه به‌صورت مستقیم مانند آلودگی و چه غیرمستقیم مانند بهره‌برداری بی‌رویه، امنیت و سلامت این منابع حیاتی را تهدید می‌کنند و واکنش‌های جدی حقوقی را می‌طلبند. آب سالم نه تنها برای بقای انسان ضروری است، بلکه نقشی کلیدی در تأمین نیازهای کشاورزی و صنعتی دارد. از همین رو، حق دسترسی به آب، یا به‌عنوان بخشی از «حق بر محیط‌زیست سالم» و یا به‌صورت مستقل، در زمره حقوق بشری محسوب می‌شود. با این حال، منابع آب شیرین به‌طور مستمر در حال کاهش‌اند؛ چه در اثر افزایش مصرف و چه به دلیل تغییرات اقلیمی گسترده. این روند، تهدیدی جهانی محسوب شده و برخی پیش‌بینی‌ها درباره‌ی تبدیل مسئله کم‌آبی به بحرانی امنیتی را تأیید می‌کند. ضعف در سازوکارهای حقوقی و دیپلماتیک برای مدیریت منابع مشترک آبی، پتانسیل ایجاد تنش‌های منطقه‌ای و بین‌المللی را افزایش می‌دهد (ابراهیمی، ۱۳۸۵). بنابراین، آب دیگر صرفاً یک مسئله فیزیکی یا محیط‌زیستی نیست، بلکه به موضوعی حقوقی و سیاسی بدل شده است که در صورت غفلت، می‌تواند به محرکی برای بی‌ثباتی اجتماعی و حتی شورش‌های گسترده تبدیل شود.

باتوجه به اهمیت بسیار بالای موضوع جرایم مرتبط با آب در رفاه، سلامت، حیات و امنیت فرد و جامعه، نمی‌توان اثرات این جرایم را نادیده گرفت؛ اما از آنجا که این آثار عمدتاً متوجه منابع آبی هستند و منابع آب جزئی اساسی از محیط‌زیست به شمار می‌آیند، مناسب است که جرایم آبی را در قالب دسته‌بندی کلی‌تر جرایم محیط‌زیستی قرار داد (قاسمی، ۱۳۹۱). در مطالعه جرم‌انگاری علیه منابع آبی، پژوهشگران طبقه‌بندی‌هایی را انجام داده‌اند؛ از آنجایی که جرایم دسته اولی عمدتاً کیفیت منابع آب را تحت تأثیر قرار می‌دهند و جرایم دسته دومی بیشتر بر کمیت منابع آب اثرگذارند، می‌توان جرایم دسته اول را «جرایم آبی کیفی» و جرایم دسته دوم را «جرایم آبی کمی» نامید. هر یک از این دسته‌ها نیز به منابع آبی سطحی و زیرزمینی تقسیم می‌شوند. جرایم آبی کیفی، شامل آن دسته از جرایمی است که کیفیت منابع آبی را هدف می‌گیرند؛ اگرچه بهره‌برداری بی‌رویه از منابع آبی در قالب جرایم آبی کمی نیز با کاهش حجم این منابع، در نهایت منجر به شوری و کاهش کیفیت آنها می‌شود، اما تأثیر اولیه و مستقیم جرایم آبی کیفی بر کیفیت آب‌ها شدیدتر است؛ زیرا این جرایم با آلوده کردن مستقیم منابع آبی، کیفیت آنها را به شکل جدی کاهش می‌دهند (مرادی، ۱۴۰۳).

آلودگی آب، در بسیاری از ایالت‌های آمریکا، یک جرم کیفری محسوب می‌شود^{۲۴}. برخی ایالات صرفاً آن را شبه جرم می‌دانند؛ بعضی تنها در صورت اثبات «دانستگی»^{۲۵} مجازات را اعمال می‌کنند.^{۲۶} جنایت علیه آب، فراتر از یک موضوع محیط‌زیستی، یک بحران حقوقی و ساختاری در حاکمیت قانون است. اگرچه ابزارهایی برای مقابله با آن وجود دارد، اما

اجرای آن‌ها با موانع سیاسی، اقتصادی و حقوقی متعددی مواجه است. در سطح بین‌الملل نیز خلأهای جدی در پیگرد کیفری آلودگی آب وجود دارد که مستلزم بازنگری حقوقی و نهادی در سطح جهانی است.

در همین چارچوب، حقوق جزای نوین در کنار بهره‌گیری از مجازات‌های سنتی، در سیاست کیفری خود به استفاده از رویکردهای نوینی چون الزام آلاینده‌گران به بازگرداندن اوضاع به حالت پیشین، پاک‌سازی مناطق آلوده، انتشار رأی صادره جهت تنویر افکار عمومی، ممنوعیت تبلیغات و الزام به عذرخواهی عمومی گرایش یافته است (زکوی و همکاران، ۱۴۰۱). نباید از نظر دور داشت که بخش قابل توجهی از آسیب‌های محیط‌زیستی در حوزه منابع آبی، ممکن است ناشی از عملکرد نهادها و شرکت‌های دولتی یا عمومی باشد که در حوزه صنایع و تأمین انرژی کلان فعالیت دارند. خلأ هرگونه ضمانت اجرای مؤثر در قبال این اشخاص حقوقی، موضوعی درخور تأمل و واکاوی است.

۳-۱-۱- حمایت از عدالت محیط‌زیستی

جنایت علیه آب به‌عنوان مفهومی نوظهور در ادبیات حقوقی بین‌المللی، در تقاطع عدالت اقلیمی، حقوق بشر و حفاظت از محیط‌زیست قرار دارد. اگرچه هنوز در اسناد الزام‌آور بین‌المللی به صراحت از این اصطلاح استفاده نشده، اما شواهد حقوقی و سیاستی در دهه اخیر نشان می‌دهند که تخریب عامدانه یا بی‌ملاحظه منابع آبی حیاتی، به‌ویژه در مناطق آسیب‌پذیر، می‌تواند واجد ویژگی‌های یک جرم بین‌المللی با آثار جدی انسانی، اجتماعی و محیط‌زیستی تلقی شود (UNFCCC، ۲۰۲۱).

از منظر عدالت اقلیمی، جوامع محلی و کشورهای در حال توسعه، قربانیان اصلی بحران‌های ناشی از آلودگی منابع آبی‌اند؛ درحالی‌که نقش آن‌ها در ایجاد این بحران‌ها حداقلی است. بر اساس گزارش توسعه انسانی سازمان ملل متحد (UNDP 2021) کشورهایی مانند بنگلادش با سهم کمتر از نیم درصد در آلودگی‌های جهانی، بیشترین آسیب را از کاهش کیفیت منابع آب، سیلاب‌های ناشی از اقلیم ناپایدار، و ورود آلاینده‌های صنعتی به رودخانه‌ها متحمل شده‌اند. در مالدیو، تخریب صخره‌های مرجانی، آلودگی ناشی از افزایش ورود فاضلاب و بالا آمدن سطح دریا، به‌طور مستقیم معیشت جمعیت وابسته به منابع آبی را تهدید می‌کند. در سومالی نیز خشکسالی‌های پی‌پای و کاهش آب‌های زیرزمینی، نه‌تنها امنیت غذایی، بلکه صلح داخلی را تحت‌تأثیر قرار داده است (UNDP، ۲۰۲۱).

در این بستر، جرم‌انگاری تخریب یا آلودگی شدید منابع آبی می‌تواند نقش مؤثری در تضمین عدالت محیط‌زیستی ایفا کند. بر اساس قطعنامه ۲۹۲/۶۴ مجمع عمومی سازمان ملل ۲۰۱۰، آب پاک به عنوان یکی از حقوق بنیادین بشری شناخته شده و دولت‌ها ملزم به تضمین دسترسی همگان به منابع سالم و پایدار آبی هستند. تخریب این منابع، به‌ویژه در صورت

عامدانه بودن، نه‌تنها نقض تعهدات محیط‌زیستی، بلکه نقض مستقیم حقوق بشری تلقی می‌شود (UN General Assembly، ۲۰۱۰). پویش‌هایی که در چارچوب نشست‌های اقلیمی مانند UNFCCC (۲۰۲۱) شکل گرفت، به وضوح نشان داد موضوع حفاظت از منابع آبی، از یک دغدغه صرفاً بوم‌شناختی به یک مسأله امنیتی و حقوق بشری ارتقاء یافته است. در این کنفرانس، پیشنهاد شد تالاب‌ها، رودخانه‌ها و منابع آبی حیاتی در کشورهای آسیب‌پذیر تحت نوعی نظارت بین‌المللی قرار گیرند تا از تخریب و آلودگی آن‌ها جلوگیری شود. همچنین گزارش گزارشگر ویژه حقوق بشر و محیط‌زیست سازمان ملل به‌صراحت اعلام می‌کند که تخریب اکوسیستم‌های آبی ناشی از سیاست‌های توسعه‌طلبانه یا فعالیت‌های صنعتی، می‌تواند مصداق «نقض جدی حقوق بشر محیط‌زیستی» باشد (United Nations Human Rights، ۲۰۲۲).

از منظر حقوق کیفری بین‌المللی نیز روندهایی در حال شکل‌گیری است که زمینه را برای پذیرش مسئولیت کیفری ناشی از تخریب منابع آبی فراهم می‌سازد. پیش‌نویس اصول حمایت از محیط‌زیست در مخاصمات مسلحانه که توسط کمیسیون حقوق بین‌الملل تدوین شده و همچنین ماده ۸(۲)(iv) اساسنامه رم، با اشاره به ممنوعیت تخریب عمدی منابع زیربنایی محیطی در جریان جنگ، بستری را فراهم کرده‌اند تا در آینده نزدیک، تخریب گسترده منابع آبی حتی در وضعیت صلح نیز با رویکرد کیفری مواجه شود، به‌ویژه اگر این اقدامات آگاهانه، مستمر و دارای پیامدهای فرامرزی باشند. در مجموع، «جنایت علیه آب» نه‌فقط به‌مثابه تخریب یک منبع طبیعی، بلکه به‌عنوان حمله به بنیان‌های حیات انسانی، اجتماعی و فرهنگی در نظر گرفته می‌شود. در چنین شرایطی، جرم‌انگاری تخریب منابع آبی حیاتی می‌تواند ابزاری برای تضمین عدالت اقلیمی، حمایت از حقوق بشر در جنوب جهانی و بازتوزیع مسئولیت جهانی برای حفاظت از میراث‌های مشترک زیستی باشد.

۳-۱-۲- تأثیر بازدارنده

تعریف «جنایت علیه آب» به‌عنوان یک جرم بین‌المللی می‌تواند نقطه عطفی در تحول حقوق بین‌الملل کیفری محیط‌زیست محسوب شود؛ تحولی که با هدف پیشگیری از تخریب منابع حیاتی آبی، نه تنها ابزارهای بازدارنده مؤثری فراهم می‌آورد، بلکه مسئولیت‌پذیری دولت‌ها، شرکت‌ها و حتی افراد را در قبال بهره‌برداری ناپایدار و سوءاستفاده از منابع آبی افزایش می‌دهد. در این چارچوب، جرم‌انگاری سوءرفتارهای آبی، از جمله تخلیه عمدی آلاینده‌ها، انحراف مسیرهای طبیعی رودخانه‌ها، یا استفاده از آب به عنوان ابزار جنگی، می‌تواند به کاهش معنادار چنین جرایمی منجر شود؛ به‌ویژه اگر همراه با سازوکارهای نظارتی کارآمد و ضمانت‌های اجرایی الزام‌آور باشد (UNEP، ۲۰۲۲).

بر اساس (United Nations Environment Programme, ۲۰۲۲) کشورهایی که دارای نظام‌های حقوقی پیشرفته و ضمانت‌های اجرایی قوی در حوزه محیط‌زیست هستند، توانسته‌اند تا ۴۰ درصد از میزان جنایات محیط‌زیستی را کاهش دهند. این تجربه به‌ویژه در زمینه حفاظت از منابع آبی مشهود است؛ به‌عنوان مثال، اتحادیه اروپا^{۲۷} با بهره‌گیری از چارچوب‌هایی چون «دستورالعمل چارچوب آب»^{۲۸}، توانسته است آلودگی‌های آبی را مهار کرده و تخلفات محیط‌زیستی مربوط به آب را به حداقل برساند. چنین نظام‌هایی، نه فقط در سطح قانون‌گذاری بلکه در حوزه اجرا، نقش کلیدی در شکل‌گیری فرهنگ احترام به منابع آبی ایفا می‌کنند (European Commission, ۲۰۲۰). شرکت‌های بزرگ اقتصادی و صنایع قدرتمند نیز مرتکب بسیاری از جرایم محیط‌زیستی، به‌ویژه جرایم فرامرزی می‌شوند؛ اما اغلب تضمین‌های اجرایی در برابر تخلفات آنها در زمینه آلودگی‌های محیط‌زیستی، ضمانت‌های مدنی است. این مسئله نیز بر اساس رویکردهای ابزارگرایانه در نظام جرم‌انگاری توجیه می‌شود. به این ترتیب، فشار گروه‌های قدرت و ثروت باعث می‌شود تا رفتارهای آسیب‌رسان این گروه‌های تأثیرگذار اجتماعی، جرم‌انگاری نشود. این موضوع به خوبی تأثیر مناسبات قدرت را در فرآیند جرم‌انگاری نشان می‌دهد (دانشوری و زارومهدوی، ۱۳۹۵).

مطالعات موردی در سطح ملی نیز اثربخشی جرم‌انگاری و اعمال سیاست‌های قوی نظارتی در زمینه منابع آبی را تأیید می‌کنند. به‌عنوان مثال، در کنیا، اجرای قانون حفاظت از منابع آب^{۲۹} منجر به کاهش حدود ۳۰ درصدی در بهره‌برداری غیرقانونی از آب و احیای تدریجی اکوسیستم‌های تالابی در مناطق بحرانی شد. این تجربه می‌تواند الگویی برای کشورهایی باشد که با چالش‌های مشابهی در خصوص تخریب منابع آبی دست‌وپنجه نرم می‌کنند و به دنبال ارتقاء نظام حقوقی خود در حوزه محیط‌زیست هستند (Government of Kenya, ۲۰۱۶).

باین‌حال، تحقق مؤثر جرم‌انگاری جنایت علیه آب در سطح بین‌المللی، نیازمند ادغام این مفهوم در ساختارهای موجود حقوق کیفری بین‌الملل، به‌ویژه اساسنامه رم دادگاه کیفری بین‌المللی است. اگرچه اساسنامه در ماده ۸ به برخی جنایات محیط‌زیستی در شرایط مخاصمه مسلحانه اشاره دارد، اما مفهوم ویژه «جنایت علیه آب» هنوز به‌طور صریح و دقیق در آن گنجانده نشده است. این خلأ می‌تواند موجب بی‌پاسخ ماندن برخی اقدامات مخرب علیه منابع آبی در مواقع صلح یا در چارچوب پروژه‌های عمرانی و صنعتی گسترده شود، درحالی‌که آثار آن اقدامات می‌تواند به‌مراتب گسترده‌تر و مخرب‌تر از موارد مشابه در شرایط جنگی باشد؛ فقط در صورتی‌که جنایت علیه آب مصداق «جنایت علیه بشریت»، «جنایت جنگی» یا «نسل‌کشی» باشد. هنوز «اکوساید» (جنایت علیه طبیعت) به‌عنوان جرم مستقل در اساس‌نامه رم پذیرفته نشده است؛ افزودن جرم «اکوساید» به اساس‌نامه رم دادگاه

کیفری بین‌المللی؛ ارتقاء سطح جنایت علیه آب به جرم بین‌المللی مستقل با معیارهای مشخص (مانند معیارهای نسل‌کشی)؛ یکپارچه‌سازی منابع آبی (سطحی، زیرزمینی، بارشی، زیستی) در تعریف حقوقی بین‌المللی آب؛ استفاده از فناوری برای مستندسازی جنایات آبی مانند تصاویر ماهواره‌ای، مدل‌سازی اقلیمی، داده‌های کیفی آب؛ تشویق دولت‌ها به تصویب قوانین داخلی سختگیرانه درباره جرم علیه منابع آب اقدامات در دسترس می‌باشد. از این رو، نیاز به تدوین و پذیرش قواعد نوین در چارچوب حقوق کیفری بین‌الملل احساس می‌شود که در آن تخریب یا آلودگی عمده و گسترده منابع آبی، به‌عنوان یک جرم مستقل با عناصر خاص خود تعریف شود. چنین اقدامی نه تنها به تقویت ابزارهای حقوقی موجود کمک می‌کند، بلکه می‌تواند یک گام اساسی در جهت تحقق عدالت اقلیمی و تضمین حق دسترسی به آب پاک به‌عنوان یکی از حقوق بنیادین بشر باشد.

تعریف «جنایت علیه آب» به‌عنوان یک جرم بین‌المللی نیازمند اصلاحات حقوقی بنیادی است تا بتواند جایگاه مناسبی در نظام حقوقی بین‌الملل پیدا کند و به‌طور مؤثر از منابع آبی حفاظت نماید. ایجاد پروتکلی ویژه و مستقل برای حفاظت از منابع آبی در چارچوب معاهدات بین‌المللی، به‌ویژه کنوانسیون‌های بین‌المللی همچون کنوانسیون ژنو، می‌تواند نقش بازدارنده‌ای در پیشگیری از جنایات محیط‌زیستی مرتبط با آب ایفا کند. این پروتکل می‌تواند قواعد شفاف و الزام‌آوری درخصوص بهره‌برداری، حفاظت و بازسازی منابع آبی وضع کرده و به‌عنوان مبنایی قانونی برای پیگرد کیفری سوءاستفاده‌ها عمل نماید (Bassiouni, ۲۰۲۱). چنانچه، در کنفرانس استکهلم ۲۰۲۲، نمایندگان کشورهای مختلف بر ضرورت گنجانیدن جرائم مرتبط با آب در چارچوب «جنایات علیه بشریت» تأکید کردند. این پیشنهاد می‌تواند زمینه‌ساز تغییرات گسترده در اساسنامه دادگاه کیفری بین‌المللی باشد، به‌گونه‌ای که تخریب عمدی منابع آبی حیاتی به‌عنوان یکی از جنایات جدی بین‌المللی شناخته شود و مجازات‌های کیفری سنگینی برای مرتکبین آن تعیین شود. چنین رویکردی می‌تواند ضامن حفظ حقوق اساسی مردم به آب سالم و محیط زیست پایدار بوده و از نابرابری‌های محیط‌زیستی در جوامع آسیب‌پذیر جلوگیری کند.

پاسخ مؤثر به تهدیدات ناشی از سوءاستفاده از منابع آبی، مستلزم مجموعه‌ای از اقدامات ساختاری و حقوقی در سطوح ملی و بین‌المللی است. نخست، ضروری است چارچوب‌های حقوقی بین‌المللی روشنی برای تعریف «جنایت علیه آب» تدوین شود. گنجانیدن این مفهوم در اسناد الزام‌آور بین‌المللی، از جمله اصلاح اساسنامه رم دادگاه کیفری بین‌المللی می‌تواند زمینه‌ساز مسئولیت کیفری برای تخریب عمدی یا سوءاستفاده گسترده از منابع آبی باشد؛ به‌ویژه در بستر درگیری‌های مسلحانه، پروژه‌های صنعتی مخرب یا سیاست‌های ناعادلانه آبی. در کنار این، ایجاد یک نهاد مستقل بین‌المللی برای نظارت بر بهره‌برداری از منابع آبی در

مناطق آسیب‌پذیر و بحران‌خیز، گامی مؤثر در جهت رصد و مستندسازی موارد نقض، حمایت از جوامع محلی و پیشگیری از بحران‌های آبی آینده خواهد بود. چنین نهادی می‌تواند با بهره‌گیری از فناوری‌های نوین و همکاری با سازمان‌های منطقه‌ای، نقش مهمی در شفاف‌سازی رفتار دولت‌ها و شرکت‌ها ایفا کند.

تقویت ضمانت اجرای قوانین زیست‌محیطی نیز ضرورتی انکارناپذیر است. همکاری‌های حقوقی فراملی، هم در قالب توافقات دوجانبه و چندجانبه و هم از طریق سازوکارهای همکاری قضایی بین‌المللی، باید تقویت شود تا از فرار متخلفان از مسئولیت جلوگیری شود. نمونه‌های موفق این همکاری‌ها در پرونده‌هایی نشان می‌دهد پیگرد مؤثر، مستلزم انسجام در نظام قضایی و تعقیب کیفری فراسرزمینی است. در نهایت، افزایش آگاهی عمومی، ظرفیت‌سازی نهادی، و آموزش حقوقی گسترده درباره مخاطرات محیط‌زیستی و اهمیت منابع آبی باید بخش جدایی‌ناپذیر از سیاست‌گذاری‌های مقابله با جنایات محیط‌زیستی باشد. تا زمانی که مفاهیم عدالت محیط‌زیستی، حق بر آب و مسئولیت نسل‌محور در میان شهروندان و سیاست‌گذاران درونی نشود، قوانین به تنهایی کارایی لازم را نخواهند داشت. بنابراین، جرم‌انگاری جنایت علیه آب نه تنها ابزار حقوقی برای حفظ منابع آبی حیاتی است، بلکه گامی اساسی در جهت تحقق عدالت بین‌نسلی و حمایت از حقوق جوامع بومی و آسیب‌پذیر به شمار می‌آید. چنین اقدامی، پاسخ به ضرورتی اخلاقی، حقوقی و اکولوژیکی در عصر بحران جهانی آب است.

۲-۳- اجزای احتمالی عناصر جنایت علیه آب تحت عنوان جنایت علیه

بشریت

طرح جنایت علیه آب به‌عنوان یکی از مصادیق جنایت علیه بشریت طبق ماده ۷ اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری مستلزم تحلیل دقیق عنصر مادی (actus reus) و عنصر معنوی (mens rea) است، تا این عمل در قالب نظام حقوق کیفری بین‌المللی قابل تعریف و پیگیری باشد. در ادامه، این دو عنصر در چارچوب حقوق بین‌المللی کیفری بررسی می‌شود:

۳-۲-۱- عنصر مادی (Actus Reus)

عنصر مادی جنایت علیه آب، ناظر بر اقدامات عینی و بیرونی است که منجر به تخریب یا آسیب گسترده به منابع آبی شده و به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم انسان‌ها را تحت تأثیر قرار می‌دهد.

اجزای احتمالی عنصر مادی عبارتند از: اقدام به تخریب یا آلودگی شدید منابع آبی، ورود عمدی مواد شیمیایی، نفتی، رادیواکتیو یا بیولوژیکی به منابع آبی و خشکاندن منابع آبی مشترک از طریق سدسازی یا انحراف مسیر رودخانه‌ها به‌منظور آسیب به جمعیت غیرنظامی، ایجاد شرایط بحرانی برای بقا، اقدامات منجر به غیرقابل شرب شدن آب یا محروم‌سازی گسترده از دسترسی به آب پاک، قطع

سیستم‌های آبرسانی یا زیرساخت‌های حیاتی به‌گونه‌ای که زندگی یا سلامت گروهی از جمعیت‌ها را تهدید کند و در نهایت گستردگی و نظام‌مندی.

این جنایت باید در مقیاسی گسترده یا به‌صورت نظام‌مند علیه جمعیت غیرنظامی صورت گیرد (براساس با تعریف جنایت علیه بشریت).

۳-۲-۲- عنصر معنوی (Mens Rea)

عنصر معنوی اشاره به نیت یا ذهنیت مرتکب دارد که در جنایت علیه بشریت، سطح بالایی از عمد را می‌طلبد.

اجزای احتمالی عنصر معنوی عبارت است از علم و قصد نسبت به نتیجه؛ مرتکب باید آگاه باشد که اقدام او موجب آسیب به جمعیت غیرنظامی می‌شود و قصد این آسیب را داشته باشد یا نسبت به آن بی‌تفاوت مجرمانه (reckless) عمل کرده باشد؛ که احراز این موضوع، امر دشواری است. اگر این شرط قصد مجرمانه کاهش یابد، مجازات‌ها به‌شدت ضعیف می‌شوند؛ برای آن‌که متخلفین، آلودگی منابع آبی را یک «ریسک اقتصادی قابل‌پذیرش» ندانند، نیاز است، قوانین مسئولیت مطلق تصویب شود؛ «بی‌احتیاطی جنایی» یا «در معرض خطر قرار دادن بی‌ملاحظه» جرم‌انگاری شود و مجازات‌های سنگین‌تری اعمال شود. همچنین است قصد محروم‌سازی یا نابودی جمعیت؛ در صورتی که اقدام علیه منابع آبی با هدف آسیب رساندن به جمعیتی خاص از نظر قومیتی، نژادی، دینی یا سیاسی صورت گیرد، می‌تواند واجد عنصر قصد تبعیض‌آمیز یا نابودگرانه باشد، مشابه آنچه در نسل‌کشی مشاهده می‌شود و در نهایت آگاهی از ماهیت نظام‌مند یا گسترده رفتار؛ به آن معنا که مرتکب باید آگاه باشد که اقدامش بخشی از حمله‌ای گسترده یا نظام‌مند علیه جمعیت غیرنظامی است، نه یک حادثه‌ی منفرد و تصادفی.

۳-۳- اجزای احتمالی عناصر جنایت علیه آب تحت عنوان جنایت جنگی

برای تحلیل جنایت علیه آب به‌عنوان جنایت جنگی باید آن را در چارچوب قواعد حقوق بین‌الملل بشردوستانه، به‌ویژه چهار کنوانسیون ژنو (ICRC, ۱۹۴۹)، پروتکل‌های الحاقی (ICRC, ۱۹۷۷) و اساسنامه رم (United Nations, ۱۹۹۸) مورد بررسی قرار داد.

در این چارچوب، آب به‌عنوان زیرساخت غیرنظامی حیاتی و بخشی از محیط‌زیست طبیعی، تحت حمایت خاص قرار دارد، و حمله عامدانه به آن، در شرایطی خاص می‌تواند جنایت جنگی تلقی شود. به‌عنوان مثال در جنگ کویت آتش‌زدن چاه‌های نفت توسط عراق و آلودگی گسترده خلیج فارس و منابع آبی منطقه رقم خورد؛ در جنگ سوریه، قطع عمدی آب رود فرات یا چاه‌های آب در مناطق شهری به عنوان ابزار جنگی مطرح بود و در نهایت جنگ در اوکراین، آسیب به سدها و منابع آبی (مثل سد کاخوفکا)، با ادعای هدف نظامی ولی آثار ویرانگر محیط‌زیستی و انسانی. همگی می‌تواند از نمونه‌هایی

۳) بی‌توجهی به اصل تناسب و احتیاط: عدم ملاحظه اصول بنیادی حقوق بشردوستانه: اصل تمایز (بین اهداف نظامی و غیرنظامی) و اصل تناسب.

۳-۴- چالش‌های احتمالی جرم‌انگاری

تحقیقات و درخواست‌های پیگرد در حوزه جرایم آبی بین‌المللی با چالش‌های فراوانی مواجه است، به‌ویژه در اثبات جنبه کیفری این جرایم. در مواردی مانند آلودگی مشخص یا تخریب عمدی یک سد، اثبات آسیب مستقیم نسبتاً ساده‌تر است؛ اما در زمینه تخریب کلی اکوسیستم، سیاست‌های کلان محیط‌زیستی یا اثرات تدریجی آلودگی، اثبات جرم بسیار پیچیده‌تر است، به‌ویژه در چارچوب قوانین کیفری بین‌المللی. نمونه برجسته این موضوع شکایت علیه رئیس‌جمهور پیشین برزیل، ژائیر بولسونارو، است که توسط سازمان غیردولتی All Rise با عنوان «سیاره علیه بولسونارو» به دادگاه کیفری بین‌المللی ارائه شد. در این شکایت، سیاست‌های محیط‌زیستی بولسونارو به نابودی گسترده جنگل آمازون و پیامدهای مخرب آن بر منابع آب شیرین، تغییرات اقلیمی، تنوع زیستی و حقوق جمعی بشریت متهم شده است. باوجوداینکه بیش از ۶۰٪ حوضه آمازون در مرزهای برزیل است، تأثیرات آن به‌طور گسترده فرامرزی و جهانی است. بااین‌حال، حتی اگر دادستان ICC پرونده را بپذیرد، موانع حقوقی مهمی از جمله اصل «تکمیلی بودن» که نیازمند اثبات عدم تمایل یا توانایی برزیل در محاکمه منصفانه است، اثبات قصد مجرمانه در سیاست‌های زیست‌محیطی، و نشان دادن «تأخیر غیرموجه» یا «عدم استقلال» در دادرسی‌های ملی وجود دارد. گزارش‌های حقوقی اقلیمی نشان داده‌اند که برزیل یا مایل نیست یا قادر به تحقیقات کافی نیست، که می‌تواند توجیه‌گر پیگرد از طریق دیوان کیفری باشد. بااین‌حال، ماهیت تدریجی و بلندمدت تغییرات اقلیمی، اثبات الگوهای رفتاری مجرمانه را دشوار می‌کند و این تأخیر در تشخیص جرم، امکان فرار مسئولان از پاسخگویی را بیشتر می‌سازد، به‌ویژه در جرایم محیط‌زیستی که پیامدهای آن‌ها ممکن است سال‌ها پس از وقوع ظاهر شوند.

به‌عنوان مثال به بیان برخی پژوهشگران در ایالات متحده نیز قضات به دفاعیات شکلی (مثل نداشتن قصد مجرمانه یا ناهماهنگی با تشریفات اداری) بیش از شواهد علمی توجه دارند. قوانین «مسئولیت سخت‌گیرانه» و «به خطر انداختن بی‌پروا» به‌ندرت پذیرفته می‌شوند. عمدتاً اثبات «نیت مجرمانه» الزامی است که پیگیری را دشوار می‌سازد و برخی ایالت‌ها عمداً قوانین خود را ضعیف‌تر از استانداردهای EPA تنظیم کرده‌اند (به اصطلاح "رقابت به قعر")؛ در نتیجه عدم اجرای قوانین جنایی در قبال آلودگی آب، نه از پیچیدگی حقوقی، بلکه از یک ساختار غیرمنطقی، محافظه‌کار و طرفدار سرمایه‌داری تجاری نشأت می‌گیرد. این چالش‌ها را می‌توان در دسته‌بندی زیر بیان کرد:

باشد که جنایت علیه آب را تحت عنوان جنایت جنگی قابل بررسی می‌نماید. تخریب عمدی سد توسط نیروهای متخاصم که منجر به: سیل گسترده، آلودگی شدید، مرگ و میر و اختلال در تأمین آب و انرژی شد که مصداق جنایت جنگی طبق پروتکل‌های ژنو (ماده ۵۶ و ۱۵ از پروتکل‌های ۱۹۷۷) می‌باشد که تأمین انرژی، سیستم‌های خنک‌کننده نیروگاه‌های بالادستی (مانند نیروگاه زاپروژیا) را مختل کرد. این حادثه مثالی بارز از جنایات محیط‌زیستی در بستر جنگی است؛ با تأثیرات مستقیم انسانی، محیط‌زیستی و منطقه‌ای.

برای احراز عناصر احتمالی جنایت علیه آب تحت عنوان جنایت جنگی می‌توان از اسناد مرتبط از جمله ماده ۸ اساسنامه رم، حمله عامدانه به تأسیسات، مواد، واحدها و وسایل پزشکی و بهداشتی یا منابع حیاتی برای بقا، از جمله آب را مطرح کرده است. ماده ۵۴ پروتکل اول الحاقی به کنوانسیون‌های چهارگانه ممنوعیت حمله، تخریب، انتقال یا بی‌اثر کردن اشیای ضروری برای بقا، مانند آب را بیان کرده است. همچنین ماده ۳۵ و ۵۵ پروتکل اول ممنوعیت استفاده از روش‌هایی که آسیب شدید، طولانی‌مدت و گسترده به محیط‌زیست، از جمله منابع آبی، وارد می‌کند استفاده نمود.

۳-۳-۱- اجزای احتمالی عنصر مادی

۱) حمله عمدی به زیرساخت‌های آبی: مانند تخریب یا هدف قرار دادن سدها، تصفیه‌خانه‌ها، خطوط لوله آب یا چاه‌ها و مسموم‌سازی یا آلودگی عمدی منابع آب آشامیدنی.

۲) محروم‌سازی غیرقانونی از دسترسی به آب؛ مانند محاصره یا انسداد منابع آبی در جهت گرسنگی‌دادن یا تضعیف جمعیت غیرنظامی (نقض ماده ۵۴ پروتکل I الحاقی به کنوانسیون ژنو). همچنین استفاده از آب به‌عنوان ابزار جنگی برای تنبیه یا اجبار گروه‌های غیرنظامی.

۳) آسیب محیط‌زیستی شدید و غیرضروری؛ مثل استفاده از روش‌ها یا سلاح‌هایی که منجر به تخریب وسیع محیط‌زیست آبی می‌شود (ماده ۳۵ و ۵۵ پروتکل I)؛ به‌ویژه در مواردی که آسیب محیط‌زیستی هیچ مزیت نظامی قانع‌کننده‌ای ندارد یا کاملاً غیرتناسبی هستند.

۳-۳-۲- اجزای احتمالی عنصر معنوی (عنصر ذهنی):

۱) عمد در هدف قرار دادن منابع آبی: مرتکب باید آگاهانه منابع آبی را به‌عنوان هدف حمله انتخاب کرده باشد، نه به‌طور تصادفی یا اشتباه.

۲) علم به وضعیت غیرنظامی هدف: به معنای آگاهی از اینکه منبع آبی مورد نظر در خدمت جمعیت غیرنظامی است (نه صرفاً اهداف نظامی).

الف) مقاومت و خودداری مرتکبین از همکاری با مقامات: در پرونده *People v. Appel* (کالیفرنیا)، یک مرتکب آلودگی که مسیر یک رودخانه را تغییر داده بود، به صراحت اعلام کرد که باید از پاسخ به مقامات دولتی، پر کردن فرم‌ها یا همکاری با آنها خودداری کرد. این رفتار نشان‌دهنده رویکردی است که در بسیاری از موارد به آلودگی‌های آب مربوط می‌شود، جایی که ضعف در اجرای قوانین باعث می‌شود که مجازات‌ها برای مرتکبین به هزینه‌ای قابل تحمل تبدیل شود.

ب) هزینه‌های پایین برای جبران آلودگی: هزینه‌های جرمیه اغلب از هزینه‌های اصلاح آلودگی کمتر است، و همچنین احتمال شناسایی و مجازات مرتکبین نیز پایین است. این مسأله باعث می‌شود که بسیاری از آلودگی‌کنندگان هیچ انگیزه‌ای برای تغییر رفتار خود نداشته باشند. این رویکرد به شکل گسترده‌ای در صنعت دیده می‌شود، جایی که هزینه‌های جرمیه و اصلاحات به اندازه‌ای نیست که انگیزه‌ای برای پیروی از مقررات ایجاد کند.

ج) مقاومت صنعت در برابر اصلاحات قانونی: در دهه‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰، وقتی پیشنهادات برای افزایش مجازات‌های جنایی و اعمال مجازات‌های سخت‌تر برای آلودگی‌کنندگان مطرح شد، صنعت به شدت مقاومت کرد. بسیاری از گروه‌های تجاری و صنعتی با استدلال‌هایی نظیر "عدم تعریف دقیق رفتار غیرمسئولانه" و "پیچیدگی قوانین مقرراتی" تلاش کردند تا این اصلاحات را متوقف کنند.

د) استفاده از استدلال‌های قانونی برای جلوگیری از مجازات: مرتکبین آلودگی و وکلای آنها از چندین استدلال قانونی برای جلوگیری از مجازات استفاده می‌کنند. برخی از این استدلال‌ها شامل موارد زیر هستند:

- ۱) عدم صلاحیت دادگاه یا هیئت منصفه (مانند دعوی‌های مبنی بر عدم رعایت فرآیندهای قانونی)؛ گذشته از این، بسیاری از قضات، جرائم محیط‌زیستی را نه جدی می‌گیرند؛ نه به‌عنوان تهدیدی علیه عدالت اجتماعی می‌شناسند؛ بلکه بیشتر به آن به چشم «مزاحمت‌های قانونی» نگاه می‌کنند. برخی دیگر، بیش از حد به انگیزه متهم توجه دارند- اگر اثبات نشود که او با "قصد بد" این کار را کرده، حاضر نیستند حکم محکومیت بدهند.
- ۲) مغایرت با اصل عدم دخالت در قوانین^{۳۰} که به معنای عدم تفویض قدرت به نهادهای اجرایی برای ایجاد و اجرای قوانین جنایی است؛ آنچنان که برخی دادگاه‌ها، قوانین زیست‌محیطی ایالتی را به دلیل فقدان تعریف دقیق یا استاندارد روشن، غیراجرایی اعلام می‌کنند.
- ۳) مفاهیم مبهم در قوانین که باعث می‌شود افراد نتوانند به طور دقیق بدانند چه اقداماتی جرم است؛ این مسئله در برخی موارد سبب شده تا تمام قانون مربوط به آلودگی آب را بی‌اعتبار اعلام کرده‌اند!

۴) توافقات و منافع تجاری در تولید آلودگی‌های سمی که می‌توانند مانع از افشای اطلاعات شوند؛ به‌عنوان مثال در پرونده *Ruckleshaus v. Monsanto* ([Supreme](#))

[Court of the United States](#)، ۱۹۸۴) یکی از دفاع‌های رایج که توسط مرتکبان آلودگی مطرح می‌شود، منافع مالکیتی در محتوای مواد سمی تخلیه شده است. این مسأله در این پرونده که به طور خاص به مسائل حقوقی مربوط به مواد شیمیایی سمی و تخلیه آن‌ها در محیط‌زیست پرداخته است مطرح شد و دفاع‌کنندگان از حق حفظ اسرار تجاری و اطلاعات مربوط به ترکیبات سمی به عنوان دفاعی علیه دستورات نظارتی استفاده کردند. در این‌گونه موارد، ادعا می‌شود که فاش کردن ترکیبات شیمیایی سمی ممکن است منافع تجاری شرکت را به خطر بیندازد و به آن‌ها خسارت وارد کند، زیرا آن‌ها نمی‌خواهند فرمولاسیون‌های محصول خود را در اختیار رقبای خود قرار دهند. در این پرونده خاص، شرکت مونسانتو از این دفاع استفاده کرد و در تلاش بود تا اجازه ندهد که اطلاعات مربوط به مواد شیمیایی که در محصولات آن‌ها استفاده می‌شود، علنی شود. این مسأله به یکی از چالش‌های اساسی در اجرای مؤثر قوانین محیط‌زیستی تبدیل می‌شود، جایی که منافع تجاری به راحتی می‌توانند از طریق حق حفظ اسرار تجاری به عنوان دفاعی در برابر قوانین محیط‌زیستی استفاده شوند ([Supreme Court of the United States](#)، ۱۹۸۴).

۵) پرهیز از تعهدات مالی یا هزینه‌های اجرای قوانین با توجیهات فرهنگی-محلی نظیر اینکه: گاهی آلودگی را "بخشی از زندگی صنعتی منطقه" می‌دانند و اصلاً آن را غیرقانونی تلقی نمی‌کنند!

در پایان باید گفت یکی از مهمترین موانع در پیگیری جرایم مرتبط با منابع آب، بی‌اطلاعی و ناآگاهی عمومی نسبت به ماهیت کیفری این آسیب‌هاست. بسیاری از شهروندان این مسائل را صرفاً فنی یا اداری تلقی می‌کنند و از ابزارهای قانونی برای شکایت یا اعتراض بی‌خبر هستند. در بسیاری مناطق، تنها زمانی توجه مردم جلب می‌شود که آب آشامیدنی‌شان به‌طور مستقیم آلوده شود. افزون بر این، قربانیان اغلب در سکوت باقی می‌مانند؛ زیرا نمی‌دانند چه کسی را باید مسئول بدانند یا از کجا باید کمک بگیرند و در مواردی از پیامدهای اجتماعی یا شغلی شکایت می‌ترسند. هم‌زمان، متهمان اصلی این جرائم که غالباً شرکت‌های صنعتی، شهرداری‌ها یا نهادهای بزرگ هستند با استفاده از وکلای زبده، ارتباطات سیاسی و خلأهای قانونی، خود را از پاسخ‌گویی مصون می‌سازند؛ حتی در مواردی، نهادهای نظارتی نیز با آن‌ها روابط شغلی یا مالی دارند. در چنین شرایطی، نظام حقوقی که بیش از حد بر مسئولیت فردی و قصور مستقیم تمرکز دارد، نمی‌تواند با ماهیت ساختاری و سیستمی جرایم آبی مقابله کند. از سوی دیگر، تبعیض محیط‌زیستی نیز به‌عنوان یک واقعیت تلخ مطرح است؛ چرا که بیشترین حجم آلودگی‌ها در مناطقی اتفاق می‌افتد که ساکنان آن فقیر، کم‌قدرت یا از اقلیت‌های نژادی‌اند و نه تنها صدایی برای اعتراض ندارند،

بلکه اصولاً در معادلات تصمیم‌گیری دیده نمی‌شوند. این شرایط نشان می‌دهد که تحقق عدالت محیط‌زیستی، نیازمند اصلاحات بنیادین در ساختارهای حقوقی، افزایش آگاهی عمومی، و تضمین مشارکت برابر برای همه گروه‌ها در حفاظت از منابع حیاتی چون آب است؛ چرا که جرائم آبی، سیستمی و ساختاری‌اند، نه فردی.

نتیجه‌گیری و پیشنهادهای سیاستی

جنایت علیه آب به معنای هرگونه اقدام عمدی یا غیرعمدی است که منجر به آلودگی، تخریب، برداشت غیرمجاز یا محدود کردن دسترسی عمومی به منابع آبی شود. این جرایم ممکن است شامل رهاسازی مواد آلاینده صنعتی، دفع غیرقانونی فاضلاب، حفر چاه‌های غیرمجاز و یا تخریب اکوسیستم‌های آبی باشد. این اقدامات از نظر قانون می‌تواند به عنوان جرم محیط‌زیستی شناخته شود و اثرات آن علاوه بر سلامت انسان، زیست‌بوم و اقتصاد کشور را نیز تحت تأثیر قرار می‌دهد.

این مقاله نشان داد که باوجود اهمیت حیاتی منابع آب و آثار مخرب تخریب یا آلودگی آن‌ها، هیچ چارچوب حقوقی کیفری بین‌المللی صریح و الزام‌آور برای پیگرد جنایت علیه آب وجود ندارد. تحلیل اسناد و معاهدات، از جمله کنوانسیون هلسینکی ۱۹۹۲ و کنوانسیون نیویورک ۱۹۹۷، تأکید می‌کند که این اسناد صرفاً مسئولیت دولت‌ها را مورد توجه قرار می‌دهند و ابزارهای کیفری برای مجازات افراد حقیقی پیش‌بینی نمی‌کنند. در نتیجه، خلأی ساختاری موجود موجب می‌شود که اقدامات مخرب علیه منابع آب، حتی در صورت شدت و گستردگی، اغلب بدون پیگرد مؤثر باقی بمانند. تحلیل مسائل اجرایی و اجتماعی نشان می‌دهد که: مقاومت نظری و حقوقی علیه جرم‌انگاری کیفری محیط‌زیست (از دهه ۱۹۳۰) موجب محدودیت ابزارهای قانونی و تأخیر در شناسایی رفتارهای زیان‌بار به‌عنوان جرم شد. ضعف دسترسی عمومی، محدودیت در دعاوی شهروندی و عدم شفافیت اطلاعاتی، امکان اجرای قوانین موجود را به‌شدت کاهش می‌دهد. گروه‌های آسیب‌پذیر و اقلیت‌ها بیشترین صدمه را از تخریب منابع آب می‌بینند، زیرا توانایی حقوقی و مالی مقابله با آلودگی‌ها را ندارند. لابی‌گری و مزیت‌های تاکتیکی شرکت‌ها باعث شده است حتی قوانین سخت‌گیرانه محلی، ناکارآمد باشند. خلأ مسئولیت کیفری فردی و رقابت میان حوزه‌های قضایی، فرصت‌هایی برای فرار مرتکبین ایجاد کرده و از اجرای مؤثر قوانین جلوگیری می‌کند. موضع پژوهش: با توجه به تحلیل‌های فوق، می‌توان نتیجه گرفت که شناسایی و جرم‌انگاری مستقل «جرم علیه آب» در حقوق بین‌الملل کیفری ضروری است. تنها ترکیب تحلیل کیفری با سازوکارهای بین‌المللی و ملی می‌تواند موجب حفاظت مؤثر از منابع آب و تضمین حقوق بشر شود.

در وهله نخست ضرورت دارد تا شناسایی مسئولیت کیفری دولت‌ها انجام شود؛ به ویژه در مواردی که خود دولت عامل اصلی تخریب منابع آبی است. سپس گسترش دکتین جرم‌انگاری محیط‌زیستی در دستور کار قرار گیرد؛ بدان معنای فراتر رفتن از تکیه صرف به قوانین موجود؛ و در گام سوم باید برای مواردی مانند نشت صنایع یا آلودگی گسترده، یک نظام «هشدار عمومی سریع» (مدل SOS) طراحی شود تا همه آگاه شوند و اقدام پیشگیرانه سریع انجام گردد؛ به‌این‌ترتیب راهکارهای زیر پیشنهاد می‌شود:

الف) تدوین یک معاهده جهانی ویژه حفاظت از منابع آبی: پیشنهاد ایجاد یک معاهده جهانی ویژه حفاظت از منابع آبی مشابه معاهده پاریس ۲۰۱۵ در زمینه تغییرات اقلیمی ارائه می‌شود. این معاهده باید شامل بندهایی برای ممنوعیت جنایت علیه آب و تعریف آن به‌عنوان یک جرم بین‌المللی و تعهدات کشورها برای کاهش آلودگی و جلوگیری از بهره‌برداری غیرقانونی و گزارش‌دهی شفاف درباره وضعیت منابع آبی و اقدامات انجام شده باشد. همکاری‌های بین‌المللی مشابه در قالب معاهده پاریس منجر به کاهش ۱۵ درصدی تولید گازهای گلخانه‌ای شده است. همچنین بازبینی و تقویت کنوانسیون‌های محیط‌زیستی مانند کنوانسیون رامسر و کنوانسیون بازل برای الزام‌آوری بیشتر در اجرای تعهدات مربوط به حفاظت از منابع آبی مطرح است.

ب) تشکیل یک نهاد بین‌المللی مستقل: پیشنهاد می‌شود یک سازمان بین‌المللی نظارت بر جرایم محیط‌زیستی تحت نظارت مستقیم سازمان ملل تشکیل شود که وظایف این نهاد شامل: مانیتورینگ جهانی منابع آبی با استفاده از فناوری‌های نوین مانند ماهواره‌ها و داده‌های کلان، ارزیابی و گزارش‌دهی دوره‌ای به شورای امنیت سازمان ملل در مورد وضعیت منابع آبی و اجرای مجازات‌های بین‌المللی علیه دولت‌ها یا شرکت‌هایی که مرتکب جنایت علیه آب شده‌اند. ایجاد چارچوب‌های همکاری منطقه‌ای مشابه پروتکل نیل برای مدیریت مشترک منابع آبی در کشورهای هم‌مرز، نیازی مبرم است.

ج) مشارکت جوامع محلی: اجرای برنامه‌های آموزشی برای آگاه‌سازی جوامع محلی در مورد اهمیت حفاظت از منابع آبی، از موارد شایان ذکر است. براساس گزارش (FAO، ۲۰۲۲) آموزش جوامع روستایی در آفریقا منجر به کاهش ۲۰ درصدی آلودگی آب‌های زیرزمینی شده است. توانمندسازی جوامع محلی از طریق ایجاد مشوق‌های مالی و فنی برای مشارکت در پروژه‌های احیای منابع آبی و حمایت از NGOها برای اجرای پروژه‌های پایدارسازی منابع آبی و نظارت بر بهره‌برداری، اثرات بلندمدتی خواهد داشت.

د) تأمین مالی و ظرفیت‌سازی برای کشورهای درحال توسعه: تأسیس یک صندوق جهانی احیای منابع آبی با حمایت کشورهای و نهادهای بین‌المللی اقدامی ضروری است؛ بودجه‌گذاری مستقیم برای احیای منابع آبی در کشورهای درحال توسعه می‌تواند تولید ناخالص داخلی آن‌ها را تا ۱۰

درصد افزایش دهد؛ در کنار آن، ارائه فناوری‌های نوین برای تصفیه آب و نظارت بر منابع آبی به کشورهای درحال توسعه، ترویج می‌شود؛ خصوصاً که به [World Bank \(۲۰۲۱\)](#) با وجود نمونه موفق آن که انتقال فناوری تصفیه آب به بنگلادش که موجب کاهش ۴۰ درصدی آلودگی رودخانه‌های این کشور شده است. این مهم جز با آموزش کارشناسان محلی برای مدیریت منابع آبی و تدوین سیاست‌های پایدار، محقق نمی‌شود.

پیشنهادهایی که از نتیجه این پژوهش به دست آمده به ضرح زیر می‌باشد:

تدوین یک تعریف کیفری بین‌المللی دقیق برای جرم علیه آب که عناصر مادی، معنوی و آستانه ضرر آن روشن باشد، مشابه سازوکارهای پیش‌بینی شده برای جنایات جنگی و اکوساید؛ ۲- ایجاد سازوکار نظارت و گزارش‌دهی بین‌المللی تحت نظر سازمان ملل یا نهاد مستقل برای پیگیری اقدامات مخرب فرامرزی؛ ۳- گنجانیدن این جرم در قوانین داخلی کشورها با ضمانت اجرایی کیفری و ایجاد امکان پیگرد فرامرزی افراد حقیقی؛ ۴- توسعه مکانیسم‌های جبران خسارت و مسئولیت مدنی هماهنگ برای قربانیان و گروه‌های آسیب‌پذیر، همراه با شفافیت اطلاعاتی و دسترسی به عدالت؛ ۵- تشویق به همکاری بین‌المللی در قالب کنوانسیون‌های جدید یا اصلاح کنوانسیون‌های موجود برای رفع خلاهای قانونی و پیشگیری از تخریب منابع آب؛ می‌توان اذعان نمود که با اجرای این اقدامات، نه تنها حفاظت مؤثر از منابع آب تضمین می‌شود، بلکه عدالت محیط‌زیستی برای گروه‌های آسیب‌پذیر و پیشگیری از تهدیدات فرامرزی نیز تقویت خواهد شد.

منابع

ابراهیمی، صدیقه. (۱۳۸۵). «حمایت کیفری از محیط‌زیست در برابر واحدهای صنعتی آلاینده». پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده حقوق، دانشگاه قم، ایران.

بهره مند، حمید، و رستمی، سینا. (۱۳۹۵). تحلیل کارایی سیاست کیفری ایران در قبال جرایم مرتبط با آب. مطالعات حقوق انرژی، (۲)۲، ۲۲۹-۲۵۲. [doi: 10.22059/jrels.2016.62722](#)

خالقی، ابوالفتح و رشنوادی، حجت الله. (۱۳۹۲). سیاست تقنینی کیفری ایران در صیانت از منابع آب با عنایت به اسناد بین‌المللی. پژوهش‌های حقوق کیفری، (۳)۱، ۱۱۹-۱۴۱. [https://jclr.atu.ac.ir/article_2211.html](#)

دانشوری، قادر و زارومهدوی، حمیدرضا. (۱۳۹۵). امنیت بین‌المللی و جرایم زیست‌محیطی. انتشارات میزان. چاپ اول. تهران، ایران.

رمضانی قوام‌آبادی، محمدحسین. (۱۳۹۲). بررسی تطبیقی اجرای اصل احتیاط زیست‌محیطی در پرتو آرا و تصمیمات مراجع بین‌المللی. پژوهش حقوق عمومی، (۴۰)۱۵، ۱۶۴-۱۴۱. [doi: 10.22051/jpls.2024.23300.2187](#)

زکوی، مهدی، و شمس ناتری، محمد ابراهیم. (۱۴۰۱). مطالعه تطبیقی سیاست جنایی تقنینی ایران و قوانین بین‌المللی در

قبال جرایم مرتبط با منابع آب. ماهنامه جامعه شناسی سیاسی ایران، (۳)۵، ۹۱۶-۸۹۳. [doi: 10.30510/psi.2022.270039.1486](#)

عسگری، محمود. (۱۳۸۱). نسبت نوین بین منابع آبی و امنیت ملی. فصلنامه مطالعات راهبردی، (۱۶)۵، ۴۸۹-۵۰۲.

قاسمی، ناصر. (۱۳۹۱). حقوق کیفری محیط‌زیست. چاپ اول، انتشارات خرسندی. تهران، ایران.

کیس، اندرو، پیترسن، وینفرد، و لانک، ویلفرید. (۱۳۹۲). حقوق محیط‌زیست. مترجم محمدحسین حبیبی. جلد اول. انتشارات دانشگاه تهران. چاپ چهارم. تهران، ایران.

مبشری، سنا، شادمانفر، محمد رضا، و حیدری، مسعود. (۱۴۰۲). سیاست جنایی تقنینی و مشارکتی در قبال جرایم مربوط به آب رودخانه زاینده‌رود. فقه جزای تطبیقی ۴۸۲-۴۷۱. [Doi:10.22034/jccj.2024.450807.1532](#)

مرادی، فرزانه. (۱۴۰۳). جرایم آبی: مفهوم شناسی و گونه شناسی. فصلنامه حقوق آب و برق، (۱)۱، ۵۸-۳۵. [doi: 10.30503/ewl.2024.197781](#)

مولائی، یوسف. (۱۳۸۶). نسل سوم حقوق بشر و حق بر محیط‌زیست سالم. فصلنامه حقوق، (۴)۳۷، ۲۷۳-۲۹۶. [https://dor.isc.ac/dor/20.1001.1.25885618.1386.37.4.11.7](#)

میلر، جی. تی. (۱۳۷۷). زیستن در محیط‌زیست. مترجم: مجید مخدوم. انتشارات دانشگاه تهران. چاپ پنجم. تهران، ایران.

Bassiouni, M. Cherif. (2021). Environmental crimes as crimes against humanity: Emerging trends and legal challenges. Journal of International Criminal Justice, 19(3), 465-489.

Canby, T. (1991). The Persian Gulf after the storm. National Geographic, 180(2), 2-33.

D'Amato, Matthew J. (2025). Water, Water, Everywhere, and Not a Drop of Justice: International Water Crimes in the Anthropocene Student Works. 1591. [DOI:10.1007/s10611-011-9308-3](#)

European Commission. (2020). Water Framework Directive and the Marine Strategy Framework Directive Implementation Report. Amersrtdam

FAO. (2020). The State of the World's Water Resources. Food and Agriculture Organization. U.S.A

FAO. (2021). Groundwater Depletion and Its Impacts. Food and Agriculture Organization. Reports. U.S.A

FAO. (2022). Water Use Efficiency in Agriculture: Regional Perspectives. Food and Agriculture Organization. U.S.A

Franz, A. (2011). Crimes against water: Non-enforcement of state water pollution laws. Crime, Law and Social Change, 56(1), 27-51. [https://doi.org/10.1007/s10611-011-9308-3](#)

- UNEP (United Nations Environment Programme). (1989). Basel Convention on the Control of Transboundary Movements of Hazardous Wastes and Their Disposal. Geneva, Switzerland.
- UNEP (United Nations Environment Programme). (2020). Transboundary Water Management: A Global Approach. Nairobi, Kenya.
- UNESCO. (2021). Water Quality and the Sustainable Development Goals. United Nations Educational, Scientific and Cultural Organization.
- UNEP. (2022). Environmental Crimes and Their Impact on Water Resources. United Nations Environment Programme.
- UNFCCC (United Nations Framework Convention on Climate Change). (2021). COP26 Outcomes Report. Glasgow, United Kingdom .
- United Nations. (1998). Rome Statute of the International Criminal Court (A/CONF.183/9). Rome, Italy.
- United Nations. (2020). Water for Sustainable Development: A Global Perspective. United Nations Department of Economic and Social Affairs. New York, USA.
- United Nations Environment Programme. (2018). The State of Knowledge of Crimes that have Serious Impacts on the Environment. United Nations Environment Programme (UNEP). Nairobi, Kenya.
- United Nations Environment Programme (UNEP). (2022). Environmental Rule of Law: Tracking Progress and Implementation.
- United Nations Human Rights Council, Special Rapporteur on Human Rights and the Environment. (2022). The right to a clean, healthy and sustainable environment: non-toxic environment. Geneva, Switzerland.
- United States. (1972). Federal Water Pollution Control Act (Clean Water Act), 33 U.S.C. §§ 1251 et seq. Washington, D.C., USA.
- United States. (1980). Act to Prevent Pollution from Ships (APPS), 33 U.S.C. §§ 1901-1915. Public Law 96-478, 94 Stat. 2297. Washington, D.C., USA.
- United States District Court, Southern District of Florida. (2003). Case No. 03-20611-CR. Miami, USA.
- United States District Court, Southern District of New York. (2007). Case No. 07-cr-123. New York, USA.
- World Bank. (2019). Climate Resilience and Water Resources Management. World Bank.
- World Bank. (2020). Water Resources Management: Economic Impacts of Water Scarcity. World Bank.
- Government of Kenya. (2016). Water Act, No. 43 of 2016. Nairobi, Kenya.
- IMPEL. (2020). Water and the EU environmental crime directive (Water Crimes Project). European Union Network for the Implementation and Enforcement of Environmental Law. Retrieved July 3, 2020.
- INTERPOL. (2019). Environmental crime. <https://www.interpol.int/en/Crimes/Environmental-crime>. Accessed: May 5, 2024.
- International Committee of the Red Cross (ICRC). (1949). Geneva Conventions and Their Additional Protocols. Geneva, Switzerland.
- International Committee of the Red Cross (ICRC). (1977). Protocol Additional to the Geneva Conventions of 12 August 1949, and relating to the Protection of Victims of International Armed Conflicts (Protocol I), 8 June 1977. Geneva, Switzerland.
- International Committee of the Red Cross (ICRC). (2019). ICRC report on IHL and the challenges of contemporary armed conflicts. Baku, Azerbaijan.
- IUCN World Conservation Congress. (2021). International Union for Conservation of Nature annual report. Marseille, France.
- Kohn, Kohn & Colapinto LLP. (2019). Cases under the Act to Prevent Pollution from Ships (APPS). Washington, D.C., USA. <https://kkc.com/laws-statutes-and-regulations-2/cases-under-the-act-to-prevent-pollution-from-ships-apps/>.
- Ramsar convention. (1971). Registered by the United Nations Educational, Scientific and Cultural. Gland, Switzerland.
- Supreme Court of the United States. (1984). Ruckelshaus v. Monsanto, 467 U.S. 986, 1005-1006. Washington, D.C., USA.
- U.S. Department of Justice, Press Release. (2003). Hoegh Fleet Services Sentenced for Environmental Crimes
- U.S. Department of Justice. (2006). U.S. Oil Tanker Firm to Pay \$10 Million as Part of Largest-Ever Penalty for Concealing Vessel Pollution (Press Release No. 07-441). Washington, D.C., USA. https://www.justice.gov/archive/opa/pr/2007/Jun/e/07_enrd_441.html.
- UN General Assembly. (2010). Resolution 64/292: The Human Right to Water and Sanitation (A/RES/64/292). New York, USA.
- UNDP (United Nations Development Programme). (2021). Water and Climate Change: A New Global Perspective. New York, USA.

22- corporate environmental liability

۲۳- در سال ۲۰۲۱، «هیئت مستقل متخصصان برای تعریف حقوقی اکوساید (IEP)» پیشنهادی مهم برای افزودن جرم «اکوساید» به اساسنامه رم دادگاه کیفری بین‌المللی (ICC) ارائه داد. اکوساید به معنای «آسیب گسترده، شدید یا بلندمدت به محیط زیست است که به صورت غیرقانونی یا بی‌پروایانه و با علم به احتمال وقوع آن انجام شده باشد.» این مفهوم جدید، توجه جهانی را به خود جلب کرده زیرا بر این اصل استوار است که محیط زیست نیز مانند انسان‌ها باید از حمایت کیفری برخوردار باشد. در نبود جرم اکوساید، برخی آسیب‌های شدید به منابع آب ممکن است در قالب «جنایت علیه بشریت» یا حتی «نسل‌کشی» مورد پیگرد قرار گیرند، البته تنها در صورت وجود قصد تأثیرگذاری یا نابودی گروه خاصی از انسان‌ها. نمونه تاریخی قابل توجه، استفاده از عامل نارنجی (Agent Orange) در جنگ ویتنام است که تخریب گسترده اکوسیستم‌ها و آسیب‌های بلندمدت به انسان‌ها را به همراه داشت و یکی از معدود مواردی است که اقدام محیط‌زیستی به عنوان جنایت جنگی مطرح شده است.

۲۴- اگر ایالت بالادستی اجازه‌ی تخلیه آلاینده را صادر کند، ایالت پایین‌دستی نمی‌تواند جلوی آن را بگیرد یا حتی شکایت کند. این موضوع در پرونده‌هایی مانند *Milwaukee v. Illinois* و *Arkansas v. Oklahoma* تثبیت شده است. قانون فدرال مسئولیت مشترک برای کنترل آلودگی آب بین دولت فدرال و ایالت‌ها در نظر گرفته، اما نحوه اجرای این همکاری مشخص نیست؛ هرچند برخی ایالات با تصویب قوانینی که می‌گویند: «استانداردهای ما هرگز سخت‌تر از دولت فدرال نخواهند بود» و یا با مخفی نگه‌داشتن ترکیبات پساب‌ها به بهانه‌ی «اسرار تجاری»، این قوانین را تضعیف کرده‌اند. باین ایالت ماساچوست (۱۸۶۹) اولین ایالتی بود که نهادهای بهداشت عمومی برای مقابله با آلودگی محیطی تأسیس کرد. به دنبال آن، ایالت‌های دیگر نیز اقدام کردند، اما این نهادها: بیشتر نقش **مشورتی و تحقیقاتی** داشتند و قدرت اجرایی نداشتند.

25- mens rea

۲۶- پرونده Flint, Michigan، فلینت: مقامات شهر به‌خاطر استفاده از آب آلوده در شبکه عمومی متهم به جنایت علیه بهداشت عمومی شدند.

۲۷- شبکه IMPEL که در سال ۱۹۹۲ به عنوان یک نهاد غیررسمی متشکل از مقامات و سازمان‌های مرتبط با اجرای قوانین محیط‌زیستی در اروپا تأسیس شد، با هدف تقویت انگیزه و تسهیل همکاری میان اعضای جامعه اروپا در راستای اجرای مؤثرتر مقررات محیط‌زیستی فعالیت می‌کند. این شبکه با ارتقای آگاهی، افزایش توانمندی‌های اجرایی و ترویج قابلیت‌های عملیاتی قوانین، بستری برای تبادل تجربیات و همکاری‌های بین‌المللی فراهم آورده است و به عنوان یکی از ارکان مهم بهبود کیفیت اجرای مقررات محیط‌زیستی در اروپا شناخته می‌شود. در اسناد رسمی اتحادیه اروپا از جمله «برنامه اقدام محیط‌زیستی هفتم» و «توصیه‌نامه حداقل معیارهای بازرسی محیط‌زیستی»، به نقش شبکه IMPEL اشاره شده است. این انجمن غیرانتفاعی که شامل مقامات محیط‌زیستی کشورهای عضو اتحادیه اروپا، کشورهای در حال پیوستن، نامزدها و کشورهای منطقه اقتصادی اروپا است، در بلژیک ثبت شده و دفتر مرکزی آن در بروکسل واقع است.

28- EU Water Framework Directive

29- Water Act, 2016

30- Non-delegation doctrine

World Bank. (2021). World Bank Report on Global Water Resources. World Bank.

World Health Organization. (2020). Water Safety: Challenges in the Global Context. World Health Organization.

World Health Organization. (2021). Safe Water and Sanitation: Global Report on Health. World Health Organization.

World Resources Institute. (2021). Water Stress and Climate Change. World Resources Institute. DC Washington, United States.

پی‌نوشت‌ها

1- Misdemeanor

2- Felony

3- water crime

4- EU Water Framework Directive 2000/60/EC

۵- در یک مرور اخیر توسط کمیته بین‌المللی صلیب سرخ (ICRC)، جرایم آبی به گونه‌ای طبقه‌بندی شده‌اند که در قالب جرایم شناخته شده ملی قرار بگیرند: فساد، جرایم سازمان یافته، آلودگی، سرقت، کلاهبرداری، تروریسم، و حملات سایبری. از میان این موارد، تنها «آلودگی» به عنوان جرمی علیه کیفیت آب شناخته می‌شود. بقیه، جرایمی هستند که به نهادهای انسانی، مالی یا امنیتی آسیب می‌زنند؛ نه مستقیماً به محیط زیست یا خود منبع آبی.

۶- پرونده بولسونارو (Planet vs. Bolsonaro): شکایت NGO به دادگاه کیفری بین‌المللی علیه رئیس‌جمهور سابق برزیل به دلیل تخریب عامدانه جنگل‌های آمازون: جنگل آمازون به عنوان مخزن جهانی آب، به واسطه سیاست‌های او دچار آسیب گسترده شده است.

7- MARPOL

8- IMO

9- CBD

10- Situ-Liu & Emmons

11- Peter Gleick

12- Water mining

13- equitable and reasonable utilization

14- no significant harm

15- principle of cooperation

۱۶- در آلمان، آلودگی منابع آب توسط شرکت شیمیایی «BASF» باعث جرمه سنگین و بسته شدن کارخانه برای چند ماه شد.

۱۷- این قانون به منظور مقابله با آلودگی دریاها و محیط‌زیست دریایی از طریق تخلیه مواد آلاینده از کشتی‌ها تدوین شده است. APPS «Act to Prevent Pollution from Ships» بخشی از کنوانسیون MARPOL است و مقررات آن شامل محدودیت‌های مربوط به تخلیه روغن، فاضلاب، و دیگر مواد آلاینده از کشتی‌ها به دریاها و اقیانوس‌ها می‌شود.

18- whistleblowers

19- oily bilge water

20- Oil Record Book

21- whistleblower protection